

سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ: عوامل و رویکرد

مهدی قربانی^۱

آرش رئیسی‌نژاد^{۲*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۷

چکیده

نوشته پیش‌رو با دیدگاه ژئوپلیتیک‌محور، در صدد بررسی روند رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ و عوامل موثر بر آن است. با تقسیم جنگ به سه دوره «محسوس نبودن برتری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری آذربایجان» و «تثبیت برتری آذربایجان»، سه روند «اهمال»، «بلا-تکلیفی» و «غافلگیری» در روند سیاست خارجی ایران قابل تبیین است. طبق ادعای پژوهش، کلان‌روایت «قره‌باغ خاک اسلام است»، رویکرد کلی جمهوری اسلامی ایران در بحران قره‌باغ را متأثر کرده است. عدم اجماع در داخل، مماشات با روسیه، دشمنی اسرائیل، رقابت با ترکیه و تقابل با نظام بین‌الملل از عوامل موثر بر کنشگری ایران در این جنگ بود. در جنگ دوم، ایران با اهمال از توان و اراده‌ی جمهوری آذربایجان و ناتوانی در ایجاد توازن میان دو روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران» به اعلام بی‌طرفی و کنشگری لفظی بسنده کرد. ایران پس از تسلط باکو بر مناطق مورد مناقشه‌ی هم‌مرز با ایران، با درک دیر هنگام از اراده‌ی جمهوری آذربایجان، با بلا-تکلیفی به کنشگری پرداخت و به دلیل مشخص نبودن جزئیات طرح ابتکاری و عدم‌رایزنی و فعالیت دیپلماتیک گسترده، با بند مربوط به ارتباط بین مناطق غربی جمهوری آذربایجان با جمهوری خودمختار نخجوان در توافق‌نامه مسکو که دستاویزی برای طرح کریدور زنگه‌زور شد، غافلگیر شد. این پژوهش، با رویکرد تحلیلی-تاریخی و روش «ردیابی فرایند»، با استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است.

واژگان کلیدی: جنگ دوم قره‌باغ، قفقاز جنوبی، کریدور زنگه‌زور، ژئوپلیتیک، ردیابی فرایند

۱۹۹



۱. دانشجوی کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

۲. استادیار گروه روابط بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران

* نویسنده مسئول: Arash.reisinezhad@ut.ac.ir

آتش جنگی که در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ در جنوب قفقاز بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان شعله‌ور شد، پس از ۴۴ روز با توافق‌نامه‌ی ۹ نوامبر ۲۰۲۰ مسکو و با وساطت رئیس فدراسیون روسیه، آتش‌بس را در قره‌باغ کوهستانی حاکم ساخت. هر چند با جنگ دوم و توافق‌نامه‌ی مسکو، مناقشه‌ی قره‌باغ و اختلاف دو همسایه‌ی ایران حل نشد، اما آغاز روندی بود که می‌تواند به تحقق صلح و امنیت پایدار در قفقاز جنوبی منجر شود. در طول ۴۴ روز تبادل آتش بین طرفین، نیروهای ارمنستان بسیاری از اراضی اشغالی آذربایجان را ترک کردند. در طول جنگ، باکو کنترل شهرهای جبرائیل، قوبادلی، زنگیلان، فضولی، شوشی و بسیاری از روستاهای مناطق مورد مناقشه را به‌دست آورد. هر چند در توافق‌نامه‌ی مسکو، تکلیف قره‌باغ و جمهوری خودخوانده قره‌باغ به‌طور کامل مشخص نشد، اما ایروان با قبول شکست در جنگ، نیروهای خود را از بقیه‌ی مناطقی که تا روز ۴۴-م تحت کنترل داشت، خارج کرد. کریدور لاجین برای ارتباط ارمنه‌ی جمهوری خودخوانده‌ی قره‌باغ با ارمنستان و مسیری نیز برای ارتباط جمهوری خودمختار نخجوان با زنگیلان در غرب سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان نیز در توافق‌نامه‌ی ۹ نوامبر، پیش‌بینی شد.

علاوه‌بر جمهوری آذربایجان که پیروز اصلی جنگ دوم بود، کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دیگری نیز، از نتیجه‌ی این جنگ سود بردند. روسیه و ترکیه دو کنشگر منطقه‌ای در جنگ دوم بودند که در جبهه‌ی برندگان جنگ قرار گرفتند. روسیه نفوذ زیادی در قفقاز جنوبی دارد و مسالمت‌آمیز یا غیرمسالمت‌آمیز دخالت می‌کند. روسیه در جنگ اخیر، بیشترین کنشگری را داشت و در آتش‌بس‌های موقتی طول جنگ و در توافق نهایی، نقش‌آفرین اصلی بود. ترکیه، متحد استراتژیکی آذربایجان با اعلام حمایت آشکار از باکو و ارسال تسلیحات، تماس‌های دیپلماتیک گسترده با باکو و رایزنی با دیگران، از بازیگران فعال و تاثیرگذار در جنگ اخیر بود. ترکیه با پی‌گیری سیاست‌های پان‌ترکیستی و پان‌تورانیستی، به دنبال تحقق اهداف سیاسی، اقتصادی و دست‌یابی به انرژی در آسیای مرکزی و قفقاز است. آذربایجان، اولین مقصد در مسیر جهان ترک پیش‌روی ترکیه است. آزادسازی اراضی اشغالی آذربایجان و تسلط نیروهای آذری بر

مناطق مورد مناقشه، و انگیزه دسترسی زمینی ترکیه به دریای خزر و جمهوری‌های آسیای مرکزی از طریق اتصال دو قسمت جدا افتاده‌ی جمهوری آذربایجان، آنکارا را به بازیگر فعال و اتاق فکر جنگ دوم تبدیل کرده بود. در کنار روسیه و ترکیه، نقش اسرائیل نیز در جنگ دوم حائز اهمیت است. روابط جمهوری آذربایجان و اسرائیل، بعد از استقلال آذربایجان، به سطح همکاری‌های استراتژیکی رسیده است. مبادله‌ی انرژی و تسلیحات نظامی، سهم مهمی در مبادلات طرفین دارد. حضور و نفوذ اسرائیل در جمهوری آذربایجان، بر روابط ایران و آذربایجان به شدت تاثیر می‌گذارد. عمق روابط رژیم باکو و اسرائیل، تا قبل از جنگ دوم قره‌باغ، به وضوح معلوم نبود. اما با آشکار شدن استفاده و تاثیر تجهیزات نظامی و پهپادهای اسرائیلی در تعیین نتیجه‌ی جنگ دوم و جولان دادن پرچم اسرائیل در کنار پرچم‌های آذربایجان و ترکیه در تجمعات مردم آذربایجان، حساسیت ایران، هر چند بسیار دیر، برانگیخته شد. حضور اسرائیل در آذربایجان یک تهدید بالقوه برای امنیت ملی ایران است. رابطه‌ی باکو- اورشلیم، بر نگرش تهران به باکو و روابط دو کشور تاثیر می‌گذارد.

بر خلاف رواج افسانه‌هایی در جامعه ارمنستان در وصف روحیه‌ی نظامی خاص ارمنه و شکست‌ناپذیری ارتش ارمنستان و ناتوانی آذری‌ها در جنگ، این کشور اصلی‌ترین بازنده‌ی جنگ دوم بود. با این حال، آمریکا و فرانسه به‌عنوان کشورهای گروه مینسک و همچنین ایران، نتوانستند کنشگری موفق‌ی در جنگ اخیر داشته باشند. هنگام جنگ دوم، آمریکا درگیر انتخابات ریاست جمهوری بود. فرانسه نیز، از آن‌جا که گروه مینسک در طول بحران قره‌باغ کاری از پیش نبرد، نتوانست به‌عنوان عضو گروه مینسک و متحد سنتی ارمنستان، نقش تاثیرگذاری داشته باشد.

ایران به‌عنوان تنها کشور هم‌مرز با منطقه‌ی مورد مناقشه که با طرفین درگیر، پیوندهای تمدنی، تاریخی، فرهنگی، هویتی، قومی و مذهبی دارد و با هر دو کشور دارای رابطه‌ای دوستانه است، می‌بایست از بستر مناسبی برای کنشگری برخوردار می‌شد. قفقاز جنوبی قبل از عهدنامه‌های گلستان و ترکمنچای، در جغرافیای تمدن ایران قرار داشتند. ایران بایستی به این منطقه، به‌عنوان حوزه‌ی نفوذ، توجه ویژه‌ای داشته باشد. اما عدم اولویت قفقاز جنوبی در سیاست خارجی ایران، باعث کاهش نفوذ آن و افزایش نفوذ رقبا و

دشمنان ایران شده است. چنان که جمهوری آذربایجان به عنوان کشوری که در حوزه‌ی تمدنی-فرهنگی و حوزه‌ی دینی-مذهبی ایران قرار دارد، با ترکیه، رقیب منطقه‌ای ایران، و اسرائیل، دشمن اصلی ایران، همسو شده است.

در این نوشتار، رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ دوم قره‌باغ و عوامل تاثیرگذار بر رویکرد آن را مطالعه می‌کنیم. با اتخاذ رویکرد تحلیلی-تاریخی و روش «ردیابی فرایند» و بهره‌گیری از نظریه‌ی ژئوپلیتیک مبتنی بر خوانشی سه‌سطحی-سه‌حوزه‌ای، به این سوال که رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ، چه روندی داشته و چه عواملی بر روند آن تاثیر گذاشته است، پاسخ می‌دهیم. در این راستا، پس از تبیین عوامل تاثیرگذار بر رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ در سه سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دوره‌ی ۴۴ روزه‌ی جنگ را با توجه به روند رخدادها، به سه دوره‌ی «محسوس نبودن برتری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری آذربایجان» و «تثبیت برتری آذربایجان» تقسیم کرده و منطبق بر آن، سه روند «اهمال»، «بلا تکلیفی» و «غافلگیری» را در سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ شناسایی کرده‌ایم.

۱. ادبیات پژوهش

مناقشه‌ی قره‌باغ، بحرانی ریشه‌دار و درازمدتی است که پژوهش‌های علمی متعددی در مورد آن کار شده است. اما از آن‌جا که دو سال از وقوع این جنگ گذشته است، پژوهش‌های محدودی به سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ پرداخته‌اند. یکی از مقالاتی که به رویکرد ایران در جنگ دوم قره‌باغ پرداخته است، اثر یتگین و چاکماک^۱ (۲۰۲۱) به زبان ترکی استانبولی، با عنوان "نگرش جمهوری اسلامی ایران به جنگ دوم قره‌باغ در چارچوب سیاست منطقه‌ای" است. آن‌ها سیاست خارجی ایران در جنگ اخیر را همسو با سیاست خارجی پیش‌بینی شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ندانسته، آن را مبتنی بر عنصر ناسیونالیسم فارس‌محور بیان می‌کنند که از دهه‌ی

¹ Yetgin, M.A. & Çakmak, S. (2021). The Position of the Islamic Republic of Iran on the Second Karabakh War in the Context of Regional Policies. *Asya Studies-Academic Social Studies*, Volume 5, Issue 18, pages 279-288. [In Turkish]

۱۹۸۰ به عملگرایی تبدیل شده است. آن‌ها ناسیونالیسم، اسلام‌گرایی و فرقه‌گرایی را سه عنصر تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی ایران عنوان کرده و معتقدند ایران در قفقاز عنصر ناسیونالیسم فارس‌محور را استفاده کرده و دو عنصر دیگر را کنار گذاشته است. سیاست خارجی ایران در جنگ دوم، در این مقاله مبتنی بر تداوم شرایط موجود بیان شده است. این مقاله، بررسی ریشه‌های بحران قره‌باغ و تحولات آن را با جهت‌گیری خاصی انجام داده است و از آوردن اطلاعاتی که برخلاف جهت‌گیری و پیش‌داوری نویسنده بوده، پرهیز کرده است. اثر بعدی، مقاله‌ی اخباری^۱ (۱۳۹۹) تحت عنوان «پیامد ژئوپلیتیک بحران قره‌باغ بر مناسبات جمهوری اسلامی ایران در قفقاز»، معتقد است جمهوری اسلامی ایران موفق به فعال نمودن فرصت‌های ژئوپلیتیکی موجود در آسیای مرکزی و قفقاز نشده است. نویسنده واقعت‌های ژئوپلیتیک و ویژگی‌های قومی، فرهنگی و مذهبی ایران را پیوند دهنده‌ی امنیت ملی آن به مسائل منطقه‌ای می‌داند. این مقاله معتقد است اگر تکلیف قره‌باغ طبق توافق کنونی تعیین شود، موقعیت ژئوپلیتیکی ایران در شمال ارس تنگ‌تر شده و ایران در نبرد انرژی خواهد باخت. اثر بعدی از چانکارا اوزدن و چانکارا (۲۰۲۲)^۲ با عنوان "روابط استراتژیک اسرائیل با آذربایجان در سایه‌ی ایران و ارمنستان" است که روابط استراتژیک اسرائیل و آذربایجان، را موجب ناراحتی ایران و ارمنستان ذکر می‌کند. این مقاله، مدعی است ایران علیرغم تاکید بر میراث فرهنگی مشترک با آذربایجان و علاقه‌مندی به بهبود روابط، در بیست سال اخیر در راستای تضعیف آذربایجان تلاش کرده است. نویسندگان ادعا می‌کنند که ایران از ارمنستان حمایت می‌کند و در روابط خود با آذربایجان، به‌ویژه در قره‌باغ، رویکردی عمل‌گرایانه داشته و امنیت ملی کشور را بر مبانی فرهنگی، ایدئولوژیک و قومی اولویت داده و به ارمنستان نزدیک‌تر شده است. در این مقاله، اقلیت آذری ایران، از عوامل تاثیرگذار بر حمایت ایران از ارمنستان ذکر شده است. در این مقاله، به پیوند مشترک ایرانیان با ارمنه

¹ Ekhbari M (2020). The Geopolitical Implications of the Karabakh Crisis for the Relations of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus. **Political Organizing of Space Quarterly**, Volume 3, Issue 1. Pages 20-31. [In Persian]

² CANKARA ÖZDEN, P. & CANKARA Y. (2022). Strategic Relations of Israel with Azerbaijan in the Shadow of Iran and Armenia. **INTERNATIONAL JOURNAL OF AFRO-EURASIAN RESEARCH (IJAR)**, Volume. 7, Issue 13, pages 1-21. [In Turkish]

براساس هویت آریایی، اشاره شده و معتقدند که ایران ارمنستان مسیحی را شریک استراتژیک خود قرار داده و به جای نزدیکی به آذربایجان براساس پیوندهای مذهبی، طبق اندیشه‌های پان‌ایرانیستی و اولویت تعلقات قومی، به ارمنستان نزدیک‌تر شده است. چانکارا اوزدن و چانکارا معتقدند که ایران از هر اقدامی که سبب افزایش اعتماد به نفس آذربایجان شود، ممانعت می‌کنند. پژوهش بعدی، مقاله‌ی شکر^۱ (۲۰۲۱) به زبان ترکی استانبولی با عنوان "ایران و قفقاز جنوبی: سیاست خارجی عملگرایانه" است که سیاست خارجی ایران را در سه کشور آذربایجان، ارمنستان و گرجستان بررسی کرده است و مدعی اتخاذ رویکرد عملگرایانه بازتاب‌دهنده نگرش امنیتی در قفقاز و آسیای مرکزی توسط ایران است. شکر مدعی است ایران با این تفسیر که استقلال جمهوری آذربایجان می‌تواند الهام‌بخش آذری‌های ایران شده و در مرکز توجه تجزیه‌طلبان قرار گیرد، با احتیاط به تغییرات ژئوپلیتیک در شمال خود پرداخته است. این مقاله مدعی است ایران مناقشه‌ی قره‌باغ را به‌عنوان یک درگیری قومی برای افکار عمومی خود تحمیل کرده است. این ادعا در حالی است که در طول سالیان، آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر موضع "قره‌باغ خاک اسلام است"، مناقشه‌ی آذربایجان و ارمنستان را در چهارچوب دین تفسیر کرده و اجماع مسلمانان در حمایت از قره‌باغ را موجب شده است. شکر رویکرد ایران را حفظ وضع موجود و تداوم اشغال اراضی آذربایجان عنوان می‌کند. شکر اشاره می‌کند که ایران تحولات را درست درک نکرده بود و فکر نمی‌کرد که جمهوری آذربایجان بتواند دستاوری داشته باشد و بنابراین در زمره‌ی بازندگان این جنگ قرار گرفت.

پژوهش‌های بررسی شده، آثار ارزشمندی هستند که با موضوع پژوهش حاضر ارتباط دارند. علی‌رغم این که در برخی از آن‌ها، بعضاً جهت‌گیری و تناقض‌هایی بین گزاره و واقعیت دیده می‌شد، اکثراً نگاه‌های صرفاً تک‌بعدی داشته و از نگاه چند سطحی - چند حوزه‌ای به موضوع غافل بوده‌اند. این مقاله با نگاهی چند سطحی - چند حوزه‌ای براساس نظریه ژئوپلیتیک، رویکرد سیاست خارجی ایران را تحت تأثیر عوامل در سطوح

^۱ Şeker, Ş. (2021). Iran and the South Caucasus: A Pragmatist Foreign Policy. **Bilecik Şeyh Edebali University Social Sciences Journal**, Vol. 6. Issue. 1, pp. 1-14. DOI: 10.33905/bseusbed.859749 [In Turkish]

بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، در حوزه‌های "سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیک"، "ژئواکونومیک" و "ژئوکالچرال" بررسی می‌کند. تفاوت دیگر این مقاله با ادبیات موجود، روش پژوهش آن است. این مقاله با روش «ردیابی فرایند» انجام شده است.

۲. چارچوب نظری: «ژئوپلیتیک سه‌سطحی-سه‌حوزه‌ای»

چارچوب نظری حاکم بر پژوهش، ژئوپلیتیک مبتنی بر خوانش سه‌سطحی-سه‌حوزه‌ای می‌باشد. ژئوپلیتیک، حکایت از تاثیر جغرافیا بر سیاست دارد. ژئوپلیتیک نسبت به چگونگی تاثیرگذاری عوامل جغرافیایی بر ارتباط بین واحدهای سیاسی و کوشش آن‌ها برای کسب سلطه جهانی توجه دارد (Foster, 2006: 1; in Reisinezhad, 2021: K). ژئوپلیتیک، خوانش و کنش فضایی روابط بین‌الملل است که سیاست جهانی، منطقه‌ای و محلی، دارای بعد ژئوپلیتیکی باشند (Cohen, 2003: 3; in Reisinezhad & Sadeqi, 2022: 170). ژئوپلیتیک به رابطه‌ی بین قدرت، جغرافیا و نظم جهانی پرداخته و آن‌ها را به هم پیوند می‌دهد (Taylor, 1994: 330; in Reisinezhad & Sadeqi, 2022: 170). بر نقش محدودیت‌ها و فرصت‌های جغرافیایی در شکل‌دهی و پی‌گیری سیاست تاکید می‌کند (Reisinezhad, 2018: 7-8). نظم ژئوپلیتیکی حاکم، رفتار و کنش بازیگران را تحت تاثیر قرار می‌دهد (Valigolizadeh, 2015: 67). از آن‌جا که ژئوپلیتیک اشاره به تاثیر جغرافیا بر سیاست دارد، ژئوپلیتیک و عوامل جغرافیایی، مبنایی برای سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری سیاست خارجی دولت‌ها فراهم می‌کند. استفاده از نظریه‌ی «محمی‌الدین مصباحی» نیز، با مهیا ساختن چارچوبی قدرتمند و جامع، کمک شایانی به پیشبرد پژوهش در تبیین عوامل و روند رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ می‌نماید. «محمی‌الدین مصباحی» با نگرش و دیدگاهی سه‌گانه نسبت به سیستم بین‌الملل، سه ساختار متمایز «سیاسی-نظامی»، «هنجاری-اجتماعی» و «اقتصادی» را در اختیار می‌گذارد (Mesbahi, 2011: 9-30). در کنار ژئوپلیتیک و عوامل جغرافیایی، دولت‌ها از برهم‌کنش با حوزه‌ها و سطوح سه‌گانه، اثری «همزیگری»^۱ دارند (Reisinezhad & Sadeqi, 2022: 170).

^۱ Symbiotic



۳. روش پژوهش: روش تاریخی «ردیابی فرایند»^۱

نوشتار حاضر با رویکردی تحلیلی-تاریخی، با تکیه بر «ردیابی فرایند» در پی بررسی عوامل و رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ است. «ردیابی فرایند»، روشی است که با استفاده از آن مکانیسم‌های علی را که متغیر تبیینی را به یک پیامد یا معلول پیوند می‌دهد، مشخص می‌سازند (Taleban, 2008: 91). ردیابی فرایند، عمدتاً با توصیف و تحلیل دقیق توالی وقایع و رخداد‌های تاریخی انجام می‌شود (Collier, 2011) و بر پایه توصیف جامع و مشاهدات علی-فرایندی متکی است (McCool III, 2021: 11). در این روش، با آشکار ساختن روایت‌های تاریخی، یک روایت تاریخی مرکب و پیچیده را به مراحل، رخدادها یا حوادثی تجزیه می‌کنیم که به صورت توالی علی به هم وصل شده‌اند (Goldstone, 1997: 112).

بدین ترتیب، بر اساس بهره‌گیری از روش «ردیابی فرایند» در بررسی رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ، با استفاده از رویکرد تحلیلی-تاریخی از روند اتفاقات و رخدادها، دسته‌بندی‌ای از آن‌ها را براساس کنشگری سیاست خارجی ایران طبق اظهارات و واکنش مقامات و سیاست‌گذاران ارائه می‌دهیم. همچنین برای تبیین عواملی که سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ را تحت تاثیر قرار می‌دهند، در پی کشف و شناسایی روندها هستیم. در این راستا، از منابع کتابخانه‌ای استفاده کرده و با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی عوامل و رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ می‌پردازیم. همچنین از منابع دست اول، مقالات فارسی، ترکی و انگلیسی، تحلیل و گفت‌وگوهای صاحب‌نظران، اظهارات و بیانیه‌های مقامات در خبرگزاری‌ها و سایت‌های نهادهای رسمی بهره می‌بریم.

۴. عوامل داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی موثر بر سیاست ایران در جنگ دوم قره‌باغ

۴-۱. کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است"

حمایت از مسلمانان در رویکرد سیاست خارجی ایران در مناقشه‌ی قره‌باغ، از فروپاشی اتحاد شوروی تا به حال، ترک نشده است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در بیانات مختلف خود در طول سالیان، بر موضع "قره‌باغ خاک اسلام است" تاکید کرده‌اند.

^۱ Process Tracing

موضع رهبر ایران، همسو با آموزه‌های اسلامی-شیعی و مکتب انقلاب اسلامی، تاثیر عمیقی بر سیاست خارجی ایران در بحران قره‌باغ داشته است. رهبر ایران، ضرورت دفاع مردم آذربایجان از سرزمین‌شان در برابر متجاوز را به‌عنوان یک اصل دینی مورد تاکید قرار داده‌اند (Khamenei.ir, 1994/07/02). ایشان در جمع مردم تبریز بیان می‌کنند که «در منطقه قره‌باغ، دولت ارمنستان و ارمنه‌ی آن منطقه به مسلمانان ستم می‌کنند. ما این حرکتی را که اخیراً ارمنه در منطقه‌ی قره‌باغ، به پشتیبانی دولت ارمنستان انجام می‌دهند، این حرکات را ما محکوم می‌کنیم. البته این ربطی به ارمنه‌ی داخل کشور ما ندارد. ارمنه‌ی داخل کشور ما هم، ما توقعمان این است که رفتار ارمنه را در آن منطقه که با تجاوز همراه است، محکوم بکنند. اینها شهروندان ما هستند، ما از آن کسانی که آن ظلم‌ها را می‌کنند، صحبت می‌کنیم. در همه جای دنیا هر جایی که دشمنان اسلام دست‌شان رسیده است به پشتیبانی استکبار جهانی، به مسلمانها ظلم کردند» (Khamenei.ir, 1993/07/27). آیت‌الله خامنه‌ای، کشتار مسلمانان در قره‌باغ را از مصائب جهان اسلام دانسته (Khamenei.ir, 1994/04/20) و با عبارت «محنت شدید مسلمانان قره‌باغ» توصیف می‌کنند (Khamenei.ir, 1994/05/15). واکنش آیت‌الله خامنه‌ای در جریان جنگ دوم نیز، مخالف این موضع نبود (IRNA, 2020/11/04).

طبق بیانات رهبر جمهوری اسلامی، هم‌راستا با آموزه‌های اسلامی-شیعی و مکتب انقلاب اسلامی، یک روند حمایتی از کشور مسلمان آذربایجان در مناقشه‌ی قره‌باغ شکل گرفته است. به طوری که تاثیر کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است"، در تمام دوران مناقشه، در رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دیده می‌شود. کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است" با ریشه داخلی در حوزه‌ی ژئوکالچرال، سیاست خارجی ایران در حوزه‌ی سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیک را متأثر می‌کند.

۲-۴. عدم اجماع در داخل

در بعد داخلی وجود دو روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی میان آذری‌ها و ایرانی‌ها و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران»، اجماع در تصمیم‌گیری سیاست خارجی و اقناع مخاطب را مشکل کرده است. تاثیر عوامل ژئوپلیتیکی و ژئوکالچرال در داخل، بر تصمیم‌گیری و

رویکرد کشور دیده می‌شود. روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» ریشه در داخل و حوزه ژئوکالچرال دارد و حمایت سیاسی-نظامی، اقتصادی و فرهنگی ایران از شیعیان را در منطقه و جهان ایجاب می‌کند. روایت «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران» نیز که ریشه داخلی در حوزه ژئوکالچرال و ژئوپلیتیک دارد، در سطح منطقه از پانترکیسم نیز اثر می‌پذیرد و چونان تهدیدی در حوزه سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیک برداشت می‌شود، بر سیاست خارجی اثر می‌گذارد.

۳-۴. مماشات با روسیه، دشمنی اسرائیل و رقابت با ترکیه

در بعد منطقه‌ای مماشات در برابر روسیه، دشمنی اسرائیل و رقابت با ترکیه بر سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ تاثیر دارد. ایران سعی می‌کند بر ضد منافع روسیه اقدام نکند. مسکو خواهان نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در قفقاز نیست، اما از آن جایی که ایران به مسکو به‌عنوان متحدی در برابر آمریکا می‌نگرد، از اقداماتی که موجب ناراحتی مسکو می‌شود، فاصله می‌گیرد (Atai, 2012: 130-131). اگر اولویت اول روسیه در مناقشه قره‌باغ، یک‌جانبه‌گرایی و حل‌وفصل روسی باشد، همکاری با گروه مینسک و ترکیه، گزینه‌های دوم و سوم باشند، همکاری با ایران آخرین اولویت روس‌ها در روند حل مناقشه قره‌باغ و جنگ دوم بود. روس‌ها به ایران، به‌عنوان ابزاری برای کسب امتیاز از دیگران می‌نگرند. بر خلاف ایران، روس‌ها ایران را متحد خود نمی‌دانند. در واقع، مماشات ایران با روسیه، برخاسته از برداشت تهدیدی است که در حوزه سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی، از حضور سطح بین‌الملل در حوزه‌ی نفوذ منطقه‌ای خود دارد.

ایران در منطقه -در محور شام- در محاصره‌ای از حلقه‌های «عبری-عربی»، «اخوانی»، «پانترکی-عبری» و «عربی شورای همکاری خلیج فارس» است که در بحران قره‌باغ، سه حلقه «عبری-عربی»، «اخوانی» و «پانترکی-عبری» برای نخستین بار در کنار هم و در مقابل ایران قرار داشتند (Reisinezhad, 2020). در واقع، دینامیک برخورد سیاست‌های ایران و دیگران در خاورمیانه، به قره‌باغ کوهستانی نیز کشیده می‌شود.

حضور اسرائیل در قفقاز، با توجه به دشمنی ایران و اسرائیل، تاثیر عمیقی بر کنشگری ایران در تحولات قره‌باغ دارد. با فروپاشی اتحاد شوروی، رای جمهوری‌های تازه استقلال‌یافته برای اسرائیل اهمیت یافت (Atai, 2000: 59). روابط اسرائیل با آذربایجان، بدین معناست که اسرائیل متحدی در مرزهای ایران دارد. پس از تیره شدن روابط اسرائیل و ترکیه از سال‌های ۲۰۱۰ به بعد، اهمیت آذربایجان برای اسرائیل بیشتر شد (Cankara & Cankara Ozden, 2022: 2-5). پژوهشگران اسرائیلی طراح تئوری‌های تجزیه ایران نیز، در باکو فعالیت می‌کنند. یکی از آن‌ها برندا شیفر، تئوریسین اسرائیلی است که با باکو همکاری می‌کند. او سابقه زیادی در سیاسی کردن موضوعات قومیتی ایران دارد (Mamedov, 2020). او کتاب و مقالات زیادی در رابطه با ایران و در حوزه آذربایجان و قومیت دارد. همکاری این تئوریسین صهیونیست با باکو، با توجه به حوزه مطالعاتی و تخصص او، جمهوری آذربایجان را به پایگاهی برای پیشبرد سیاست‌های اسرائیل در قبال ایران تبدیل کرده است. جنگ دوم قره‌باغ عمق بالای نفوذ اسرائیل در آذربایجان را آشکار ساخت. حضور اسرائیل در آذربایجان یک تهدید بالقوه برای امنیت ملی ایران است. کنشگری اسرائیل به‌عنوان دشمن اصلی ایران، در جهت کاستن از نفوذ ایران در قفقاز است که جنگ دوم قره‌باغ نیز از این قاعده مستثنی نیست. دشمنی اسرائیل که با آرمان فلسطین و وظیفه حمایتی جمهوری اسلامی از مسلمانان و مظلومان مرتبط است، ریشه‌ی داخلی و ژئوکالچرال دارد و در حوزه‌ی سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیک منطقه و بین‌الملل، منافع ایران و سیاست‌هایش را متاثر می‌کند.

رقابت ایران و ترکیه در قفقاز و مناقشه قره‌باغ، ریشه‌دار است. ترکیه متحد استراتژیکی آذربایجان است. از ابتدای استقلال جمهوری آذربایجان تا جنگ دوم قره‌باغ، روابط و دوستی دو کشور به بالاترین سطح خود رسیده است. آذربایجان، اولین مقصد در مسیر جهان ترک پیش‌روی ترکیه است. آزادسازی اراضی اشغالی آذربایجان و تسلط نیروهای آذری بر مناطق مورد مناقشه، و انگیزه دسترسی زمینی ترکیه به دریای خزر و جمهوری‌های آسیای مرکزی از طریق اتصال دو قسمت جدا افتاده‌ی جمهوری آذربایجان، آنکارا را به بازیگر فعال و اتاق فکر جنگ دوم تبدیل کرده بود. ترکیه در رقابت با ایران در منطقه‌ی قفقاز، همواره از حمایت غرب نیز برخوردار است. رقابت با

ترکیه چند بعدی است. ریشه رقابت با ترکیه، در ژئوکالچرال و سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیکی داخل، ژئوکالچرال، سیاسی-نظامی-ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی منطقه دیده می‌شود که پویایی رقابت دو کشور را سبب می‌شود.

۴-۴. تقابل با نظام بین‌الملل

در سطح بین‌المللی نیز، کشورهای غربی و آمریکا، ایران پس از انقلاب را به‌عنوان تهدید و خطر معرفی می‌کردند. برداشت تهدید از ایران انقلابی و ترس از صدور انقلاب و تهدیدی که از جانب ایران برای اسرائیل احساس می‌کردند و سپس آشکار شدن تلاش ایران برای دستیابی به انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای، موجب حرکت روندهای بین‌المللی در جهت انزوا و محاصره‌ی ایران شد.

روندهای بین‌المللی با سرریز در سطح منطقه‌ای، ترکیه و جمهوری‌های قفقاز را به مهره‌های مهمی برای دور زدن و حذف ایران از ترانزیت بین‌المللی تبدیل کرده است. ایران به دلیل تقابل با نظام بین‌الملل و تنش موجود بین ایران و آمریکا، از راه ابریشم نوین کنار گذاشته می‌شود (Reisinezhad, 2021: 121). تقابل ایران با نظام بین‌الملل و افزایش تهدید آمریکا بر علیه ایران پس از فروپاشی اتحاد شوروی موجب شد که ایران برای جلوگیری از توسعه نفوذ آمریکا در قفقاز جنوبی، توسعه نفوذ روسیه را تحمل کند (Şeker, 2021: 7). همسایگان و رقبای منطقه‌ای ایران، از تقابل ایران با ساختار نظام بین‌الملل و تنش آن با آمریکا، با بازی در چارچوب ساختار از آن سود می‌برند. به طوری که ترکیه و کشورهای قفقاز، ضمن ترجیح دادن همسویی با ساختار، و روسیه نیز با نگاه ابزاری به ایران، از این روند سود می‌برند. در نتیجه‌ی این روندها، ایران به‌عنوان کشوری که دچار «تنهایی استراتژیکی»^۱ است (Mesbahi, 2011: 18-20)، در سراسر فرسایش ژئوپلیتیکی قرار می‌گیرد.

برداشت تهدید از ایران، ریشه در ترس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران دارد که در داخل و حوزه‌ی سیاسی-نظامی رخ داد ولی آثار و پیامدهایی فراتر از آن داشت. عواملی نیز برداشت تهدید را تشدید کرد. تقابل با نظام بین‌الملل، ایران را از روندهای بین‌المللی و منطقه‌ای کنار می‌گذارد. چنان که با حذف ایران از ترانزیت بین‌المللی منافع ایران در

حوزه‌ی ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی آسیب می‌بیند. با حمایت از رقیب ایران در منطقه، ایران را در موضع ضعیف‌تر در حوزه ژئواکونومیک نسبت به ترکیه قرار می‌دهد و کفه را به نفع رقبای سنگین‌تر می‌کند. به طوری که علیرغم حذف ایران از راه‌بریشم نوین، در صدد ایجاد کریدور زنگه‌زور یا به عبارتی کریدور تورانی ناتو در مرزهای ایران است.

۵. روند جنگ ۴۴ روزه‌ی قره‌باغ

جنگی که در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ در جنوب قفقاز میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان شعله‌ور شد، پس از ۴۴ روز با توافق‌نامه‌ی ۹ نوامبر، با وساطت رئیس فدراسیون روسیه، آتش‌بس را در قره‌باغ کوهستانی حاکم ساخت. هر چند با ۴۴ روز جنگ و توافق‌نامه‌ی مسکو، مناقشه‌ی قره‌باغ حل و فصل نشد، اما آغاز روندی بود که می‌تواند به تحقق صلح و امنیت پایدار در قفقاز جنوبی منجر شود. در طول ۴۴ روز تبادل آتش بین طرفین، نیروهای ارمنستان از بسیاری از اراضی اشغالی آذربایجان عقب رانده شدند. هر چند که توافق‌نامه‌ی مسکو، تکلیف منطقه‌ی قره‌باغ و جمهوری خودخوانده قره‌باغ را به طور کامل مشخص نکرد، اما ارمنستان با قبول شکست در جنگ، نیروهای خود را از بقیه‌ی مناطقی که تا روز ۴۴-ام تحت کنترل داشت، خارج کرد.

براساس روند اتفاقات و رخدادها از ۲۷ سپتامبر تا ۹ نوامبر، می‌توان جنگ دوم قره‌باغ را به سه دوره‌ی «محسوس نبودن برتری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری آذربایجان» و «تثبیت برتری آذربایجان» تقسیم کرد. «دوره‌ی محسوس نبودن برتری آذربایجان» اشاره به دوره‌ای است که طرفین در یک سطح قرار داشته و مواضع یکدیگر را بمباران می‌کنند. آذربایجان به مناطق مورد مناقشه حمله کرده و برخی از آن‌ها را در مقیاس کوچک‌تر آزاد می‌کند. نیروهای ارمنی با بمباران مواضع ارتش آذربایجان و حمله‌ی موشکی به مناطق مسکونی خارج از محل مناقشه، توازن در جنگ را حفظ می‌کنند. در روزهای ابتدایی، تصور می‌شد که درگیری‌ها مانند درگیری‌های موقت و گذرایی است که در طول ۳۰ سال گذشته همواره رخ می‌داد. وقتی علی‌اف در نشست سالانه‌ی مجمع عمومی سازمان ملل، در مهر ۱۳۹۹، گفت مناقشه‌ی قره‌باغ باید براساس تمامیت ارضی آذربایجان حل شود (IRNA). یا هنگام آزادسازی ۷ روستای آذربایجان در ۲۷ سپتامبر، خوش‌بین‌ترین شهروند آذری و بدبین‌ترین شهروند ارمنی نیز انتظار ادامه درگیری‌ها و



تسلط آذربایجان بر مناطق مورد مناقشه را نداشت. درگیری‌ها ادامه می‌یابد و در ۵ اکتبر، رئیس‌جمهور آذربایجان، در توئیتر خود از آزادی مرکز شهر جبرائیل و چند روستای دیگر خبر می‌دهد (APA, 2020). ارمنستان نیز مواضع آذربایجان و مناطق مسکونی آن را هدف قرار می‌دهد (APA, 2020/10/03). در این مقطع، برتری آذربایجان تا حدودی معلوم می‌شود ولی این برتری آن‌چنان مشهود نیست که بتوان آینده‌ی درگیری‌ها را به نفع آذربایجان پیش‌بینی کرد. «دوره‌ی محسوس بودن برتری آذربایجان»، به دوره‌ای اشاره دارد که تصور دوره‌ی قبل از بین رفته و شرایط مبنی بر اراده آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق مورد مناقشه است. این دوره، از تسلط آذربایجان بر شهر فضولی در ۱۷ اکتبر (РИА Новости, 2020)، آزادسازی زنگیلان و مناطق باقیمانده‌ی جبرائیل در ۲۰ اکتبر (Ministry of Defense of the Republic Of Azerbaijan, 2020) آغاز می‌شود که آذربایجان مناطق مورد مناقشه‌ی هم‌مرز با ایران را کنترل می‌کند (РИА Новости, 2020/10/22). درگیری‌ها ادامه پیدا می‌کند و در ۲۵ اکتبر، رئیس‌جمهور آذربایجان خبر آزادی قوبادلی را اعلام می‌کند (Anadolu, 2020). در ۲ نوامبر، ارتش آذربایجان برخی از روستاهای جبرائیل، زنگیلان و قوبادلی را آزاد می‌کنند (Ministry of Defense of the Republic Of Azerbaijan, 2020). آذربایجان در ۴ نوامبر، ۷ روستا (IRNA, 2020) و در ۷ نوامبر، ۱۶ روستای دیگر را پس می‌گیرد، به طوری که تا آن روز، آذربایجان کنترل ۴ مرکز شهر، ۳ قبضه و بیش از ۲۲۰ روستا را تحت کنترل داشت (Anadolu, 2020). در ۸ نوامبر نیز شهر تاریخی شوشی آزاد می‌شود (IRNA, 2020) که نزدیک‌ترین شهر به خانکندی، پایتخت جمهوری خودخوانده‌ی قره‌باغ است. یک روز بعد، آذربایجان ۲۳ روستای دیگر را نیز آزاد می‌کند (Trend, 2020). در این شرایط، برتری و پیروزی آذربایجان در جنگ به مرحله‌ی تثبیت نزدیک‌تر می‌شود. دوره‌ی «تثبیت برتری آذربایجان» نیز پس از امضا توافق‌نامه‌ی مسکو در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ آغاز می‌شود.

۶. رویکرد سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ

طبق دسته‌بندی صورت گرفته از روزشمار جنگ دوم قره‌باغ به سه دوره‌ی «محسوس نبودن برتری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری آذربایجان» و «تثبیت برتری آذربایجان» و با غور در رخدادها و واکنش‌های ایران براساس اقدامات، اظهارات و بیانیه‌های مقامات

و نهادهای دخیل و حتی غیررسمی تاثیرگذار در سطح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، می‌توان رویکرد ایران در جنگ دوم قره‌باغ را در سه دوره‌ی «اهمال»، «بلا تکلیفی» و «غافلگیری» مورد بررسی قرار داد.

۶-۱. اهمال

دوره‌ی اهمال در سیاست خارجی ایران در بحران قره‌باغ، اشاره به رویکرد آن در دوره‌ی «محسوس نبودن برتری آذربایجان» در جنگ دوم قره‌باغ دارد. اهمال در سیاست خارجی ایران به طور اخص در قره‌باغ و به طور اعم در قفقاز جنوبی را در دوران قبل از جنگ دوم قره‌باغ نیز می‌توان دید. دوره‌ی بلافاصله پیش از جنگ، حاکی از روند تقابلی در سیاست امنیتی منطقه است که نشان از شکل‌گیری استراتژی جنگی است. اما ایران توجهی به این روند نداشت.

ارمنستان پس از فروپاشی اتحاد شوروی، در مدار نفوذ روسیه بود و آذربایجان ضمن تعقیب همکاری نزدیک با ترکیه و دریافت کمک‌های امنیتی آن (Bivainis, 2022: 53)، رابطه نزدیکی با آمریکا و اسرائیل داشت. آذربایجان و اسرائیل، در فاصله ۱۹۹۹ تا ۲۰۱۴، ۲۸ دیدار دیپلماتیک رسمی داشته‌اند (Murinson, 2014: 15). آمار و ارقام، حاکی از انباشت تسلیحات توسط آذربایجان بود. جمهوری آذربایجان ۵.۴ درصد از تولید ناخالص داخلی خود در سال ۲۰۲۰ به ارزش ۲.۲ میلیارد دلار را به نیروهای مسلح اختصاص داده بود (Wezeman, Kuimova & Smith, 2021). با توجه به بودجه و مقدار ابتکارات، آذربایجان ضمن همکاری با آمریکا به توسعه‌ی نظامی سریع‌تری دست یافته است (Office of Defense Cooperation, US Embassy in Azerbaijan, 2020).

آذربایجان تامین‌کنندگان تسلیحات متنوعی دارد. از یکسو ترکیه به‌عنوان حامی برنامه‌های نیروی هوایی بدون‌سرنشین آذربایجان و تامین‌کننده‌ی برخی از سیستم‌های تسلیحاتی آن مطرح شده است (Bekdil, 2020). باکو از ذی‌نفعان اولیه نوسازی نظامی ترکیه است (Bivainis, 2022: 54). از سوی دیگر، اسرائیل شریک برنامه‌های پرهزینه‌ی نظامی آذربایجان است (Cankara & Cankara Ozden, 2022: 6). در دو دهه گذشته، باکو همکاری با اسرائیل را در زمینه‌های دفاعی توسعه داده است (Bhattacharjee, 2020).

(2017). شرکت‌های اسرائیلی نسبت به نوسازی و آموزش نیروهای ویژه و ارتش آذربایجان و ایجاد سیستم‌های امنیتی برای فرودگاه‌های باکو اقدام کرده‌اند (Avdaliani, 2020: 2; in Cankara & Cankara Ozden, 2022: 6). باکو در سال‌های منتهی به جنگ، با اختصاص درآمدهای حاصل از انرژی به هزینه‌های دفاعی و نظامی، ارتش خود را مدرن کرده است (Cankara & Cankara Ozden, 2022: 8). آذربایجان قبل از جنگ، پهپادهای بایراکتار^۱ را از ترکیه و پهپادهای هاروپ^۲، اوربیتر^۳ و اسکای/استرایکر^۴ را از اسرائیل خریده بود (Shaikh, 2020; in Cankara & Cankara Ozden, 2022: 8).

گرفتاری ارمنستان با رکود پیش از جنگ، در زمینه‌ی اصلاحات نظامی نیز تاثیرگذار بود (Bivainis, 2022: 54). از ۲۰۱۱ تا ۲۰۲۰، فناوری روسیه تقریباً ۹۴ درصد واردات نظامی ارمنستان را شامل می‌شود (Wezeman, Kuimova & Smith, 2021). در کنار وابستگی شدید ارمنستان به صادرات روسیه، هزینه رشد نیروهای مسلح آن در مدت مشابه، ۸.۲ برابر کم‌تر از آذربایجان بود (Stockholm International Peace Research Institute, 2021). جمهوری آذربایجان با برخورداري از منابع انرژی دریای خزر، می‌تواند درآمد حاصله را در تجهیز و توسعه صنایع دفاعی و نظامی خود، صرف نماید. اما ارمنستان از چنین منبعی بی‌بهره است. اسرائیل از مشتری‌های اصلی انرژی آذربایجان و جزء مهم‌ترین تامین‌کنندگان تسلیحات نظامی آن است. بخش مهمی از رابطه‌ی آذربایجان و اسرائیل، بر مبادله انرژی و تسلیحات نظامی استوار است.

در کنار این، اشاره به نقش لابی‌ها در آمریکا نیز حائز اهمیت است. مناقشه قره‌باغ، نمونه واضحی از تاثیر لابی‌های داخلی بر سیاست خارجی آمریکاست (Pashayeva & Blank, 2016: 35). قبل و در طول جنگ، رقابتی میان لابی آذری-ترکی و لابی ارمنی، برای جلب حمایت آمریکا فعال شده بود. در این دوره، کنگره متمایل به ارمنستان و دولت متمایل به آذربایجان بود (Petti, 2020). براساس گزارش دوماهنامه‌ی دی امریکن کنسروتیو^۵، جمهوری آذربایجان یک سال قبل از جنگ دوم، ۱.۳ میلیون دلار برای لابی

1 Bayraktar TB2

2 IAI Harop

3 Orbiter

4 SkyStriker

5 The American Conservative

هزینه کرده است، در حالی که ارمنستان از ۲۰۱۶ هیچ پولی برای لابی‌گری هزینه نکرده است (Boland, 2020). اسناد لایحه ثبت‌نام عاملان خارجی (فارا)^۱ حاکی است که فعالیت‌های آذربایجان در سال‌های اخیر به دنبال متقاعد کردن نخبگان واشنگتن نسبت به پذیرفتن تجاوزگری ارمنستان و کسب حمایت آمریکا از آذربایجان در جنگ دوم قره‌باغ بوده است (Boland, 2020). لابی‌گری ترکیه، متحد استراتژیکی آذربایجان نیز حائز اهمیت است. به‌خصوص که کینه‌ای بین ارمنه و ترک‌ها وجود دارد. ترکیه دوستان زیادی در واشنگتن دارد و براساس اطلاعات فارا، در یک سال منتهی به جنگ، ۳۶ میلیون دلار برای لابی‌گری هزینه کرده است (Petti, 2020).

لابی‌گری اسرائیل نیز، با اهمیت ژئواستراتژیکی که به آذربایجان برای محاصره ایران قائل است، بخشی از هیئت حاکم آمریکا را قانع کرد که بر ضد باکو اقدام نکند (Reisinezhad, 2022). با این‌که آذربایجان سالانه بیش از ۱۰۰ میلیون دلار کمک امنیتی از آمریکا دریافت می‌کند، ارمنستان در سال‌های اخیر، تقریباً هیچ کمکی از آمریکا نگرفته است (Petti, 2020). همچنین، آذربایجان با دیپلماسی خاویار^۲، نمایندگان اتحادیه اروپا را ساکت می‌کرد؛ در حالی که لابی ارمنستان در اروپا قوی نیست و متحد سنتی آن -فرانسه- نیز، نمی‌توانست کمک زیادی بکند (Reisinezhad, 2022). در واقع، ارمنستان در مقایسه با جمهوری آذربایجان، در سال‌های منتهی به جنگ، منابع کمتری را به ابتکارات نظامی اختصاص داده بود و لابی آذری-ترکی-عبری، فعال‌تر از لابی ارمنی در آمریکا، توانست رویکرد دولت آمریکا را به نفع باکو جهت دهد. انرژی آذربایجان نیز که مورد توجه اروپا و آمریکا است، به اهمیت آن می‌افزاید. با این حال، روندهای بین‌المللی به نفع آذربایجان بود و از برتری باکو در مقابل ایران حکایت می‌کرد.

در سطح منطقه‌ای نیز، نقش اسرائیل، ترکیه، روسیه و ایران قابل توجه بود. اسرائیل و ترکیه، تامین‌کنندگان تسلیحات و به‌نوعی شریک و متحد استراتژیکی آذربایجان هستند. حمایت ترکیه و اسرائیل از باکو در صورت وقوع درگیری، قابل پیش‌بینی بود. همچنین در سال‌های منتهی به جنگ دوم قره‌باغ، ارمنستان به غرب متمایل شده بود و امکان عدم‌حمایت یا حمایت ضعیف‌تر مسکو از ایران در جنگ احتمالی، پیش‌بینی می‌شد.

1 Foreign Agents Registration Act (FARA)

2 Caviar diplomacy

حتی برخی معتقد به تنبیه جناح غرب‌گرای ارمنستان توسط روسیه در این جنگ، هستند (Kaleji, 2020). مسکو با وادار کردن ایروان به امضای توافق‌نامه، بهترین استفاده را از بدترین شرایط برد، طوری که با انفجار خشم آرامنه علیه دولت‌شان، تصویر روسیه از خائنی که با عدم‌حمایت در طول جنگ باعث ضعف ارمنستان شده بود، به ناجی‌ای بدل شد که مانع پیشروی بیشتر باکو به سمت مواضع ایروان می‌شد (Khoshnood & Khoshnood, 2021: 8-9). بنابراین اقدامات آذربایجان در تامین و انباشت تسلیحات، روابط نزدیک سیاسی، اقتصادی-بازرگانی و همکاری‌های نظامی-امنیتی با کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی، غیرقابل تحمل بودن غرب‌گرایی ارمنستان برای روسیه، لابی‌های صورت گرفته در ایالات متحده و همزمانی زمان آغاز جنگ با انتخابات ریاست جمهوری آمریکا، همگی روندهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی‌ای هستند که از شکل‌گیری استراتژی جنگی، آماده‌شدن باکو برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی و تغییر ژئوپلیتیک منطقه در آینده‌ای نزدیک خبر می‌دهند. برخلاف سال‌های پس از جنگ اول قره‌باغ که شرایط برای بیرون کردن نیروهای ارمنی از سرزمین‌های آذربایجان مهیا نبود، در این موقع هدف باکو، پس گرفتن اراضی اشغالی بود، نه صرفاً شروع جنگی بی‌هدف. چنان که سان‌تزو می‌گوید «در جنگ فقط پیروزی مطرح است، نه نبردی طولانی‌مدت» (Sun Tzu, 2021). با این که روندهای مذکور، قبل از آغاز درگیری‌ها به آسانی قابل تشخیص نبود، اما یکی از اقدامات مهم دستگاه دیپلماسی و موسسات پژوهشی وابسته به آن، مطالعه و شناخت چنین روندهایی است تا کشور در حالت بی‌خبری نسبت به تحولات کشورهای همسایه و روندهای داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیرگذار بر آن، غافلگیر نشود. در این دوره دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با بی‌خبری و اهمال از روندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی، از درک اراده‌ی آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق مورد مناقشه و تغییر ژئوپلیتیک منطقه‌ی قفقاز جنوبی عاجز بود. این امر باعث شد رویکرد ایران در این مقطع، تنها به دعوت لفظی و کلامی طرفین به پایان دادن به درگیری‌ها و آغاز روند مذاکرات و گفتگوهای دیپلماتیک محدود شود. در نخستین واکنش، وزیر خارجه وقت ایران در حساب توییتری خود نوشت «ایران خشونت نگران‌کننده در قره‌باغ کوهستانی را به دقت زیر نظر دارد. ما خواستار

پایان فوری خصومت‌ها و آغاز گفتگوها برای حل اختلافات هستیم. همسایگان ما اولویت ما هستند و آماده ارائه مساعی جمیله به منظور فراهم ساختن گفتگوها هستیم. منطقه ما هم اکنون نیازمند صلح است» (Twitter, 2020/09/27)^۱ و همان روز، همتایان آذری و ارمنی خود را در گفتگوی تلفنی جداگانه به خویشتنداری، آتش‌بس، پایان فوری خصومت‌ها و آغاز مذاکرات در چارچوب حقوق بین‌الملل دعوت کرد (IRNA, 2020/09/27). در ۸ مهر، سخنگوی دولت ایران، از آمادگی برای کمک به برقراری صلح پایدار در منطقه (IRNA, 2020) و پیوستن به مسکو و آنکارا برای میانجی‌گری خبر داد (Press TV (Tehran), 2020). در این مقطع که جنگ تازه شعله‌ور شده بود، ایران انتظار جنگ طولانی و هدفمند را نداشت و با اعلام آمادگی برای میانجی‌گری و مساعی جمیله واکنش نشان می‌داد. هدف جنگ، پایان دادن به اشغال اراضی آذربایجان بود. اما نفوذ اسرائیل و ترکیه در باکو، با توجه به دشمنی اسرائیل و رقابت ایران و ترکیه، مانع درک و کنشگری ایران می‌شد. از طرفی نیز، کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است" و تحولات جامعه داخلی، اجازه کنشگری ایران در مناقشه قره‌باغ، از مسیر همسویی با ارمنستان در برابر مثلث باکو-آنکارا-اورشلیم را نمی‌دهد. چه بسا که میانجی‌گری بی‌طرفانه‌ی ایران، بدون تنش با یکی از طرفین درگیری، همواره توصیه می‌شود. چنان که بایستی نقش برادر بزرگ‌تر را ایفا می‌کرد.

همان طور که اشاره شد؛ دو روایت تاثیرگذار در ایجاد اجماع در سیاست خارجی ایران نسبت به مناقشه‌ی قره‌باغ وجود دارد. از یک‌سو آذری‌ها و ایرانی‌ها پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی دارند و جمهوری اسلامی، به‌عنوان تنها دولت شیعی جهان، نمی‌تواند به کشوری با اکثریت جمعیت شیعه، پشت کند (Khoshnood & Khoshnood, 2021: 2). از سوی دیگر، اکثر آذری‌های ایران، به‌عنوان بزرگ‌ترین اقلیت قومی، در استان‌های شمال غربی کشور، در مجاورت جمهوری آذربایجان و ترکیه زندگی می‌کنند. نزدیکی جغرافیایی و پیوندهای قومی-نژادی ساکنان شمالی و جنوبی ارس، در کنار احساس نارضایتی و تبعیض توسط آذری‌های ایران، بستر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه را فراهم کرده است.

¹ <https://twitter.com/JZarif/status/1310237342922346497?t=sr8811OfRKD9TRw4poucug&s=19>

این دو روایت، مانع اجماع در سیاست خارجی ایران در این مقطع می‌شد. در فرایند امنیتی‌کردن، اقناع مخاطب از اهمیت حیاتی برخوردار است. از آنجایی که تاکید بر پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی میان آذری‌های شمال ارس و ایرانی‌ها و وظیفه شرعی جمهوری اسلامی در دفاع از مسلمانان، در اقناع مخاطب، باعث نادیده گرفته شدن بستر تجزیه‌طلبانه در مناطق آذری‌نشین ایران می‌شد و در مقابل، تاکید بر بستر گرایش‌های تجزیه‌طلبانه در آذربایجان ایران و برجسته کردن خطر تجزیه در اقناع مخاطب، باعث نادیده انگاشتن پیوندهای مذهبی، فرهنگی و تاریخی و خدشه به ادای تکلیف شرعی جمهوری اسلامی در دفاع از مسلمانان می‌شد، مانع اجماع در سیاست خارجی ایران شد. در نتیجه‌ی دیدگاه صفر و صدی و ناتوانی در ایجاد توازن بین این دو روایت، تضاد بین روایت‌ها، تاثیر قاطعی بر رویکرد ایران در دوره‌ی اهمال در سیاست آن نسبت به جنگ دوم قره‌باغ داشت.

عدم اجماع در میان مقامات، رسانه‌ها، مطبوعات و مردم دیده می‌شد. روزهای اول، خبرگزاری ایرنا با اتخاذ موضعی بی‌طرف، به گزارش درگیری‌ها پرداخت (IRNA, 2020/09/27). روزنامه کیهان نیز ضمن موضع بی‌طرفانه، با انتقاد از شکست طولانی‌مدت گروه مینسک، بر تعهد جمهوری اسلامی به صلح پایدار در قفقاز جنوبی تاکید کرد (Keyhan, 2020/09/27). نمایندگان ولی‌فقیه در چهار استان آذربایجانی ایران، با صدور بیانیه‌ای اقدام آذربایجان در بازپس‌گیری قره‌باغ را مطابق قانون و شریعت دانستند (Fars, 2020/09/30). مشاور رهبر انقلاب در امور بین‌الملل، ضمن توصیف قره‌باغ به‌عنوان سرزمین اشغالی، خواستار بازگشتن آرامنه به مرزهای بین‌المللی و همکاری ترکیه با ایران و دیگر کشورهای منطقه در آزاد کردن مناطق اشغالی آذربایجان شد (Keyhan, 2020/10/06). در مقابل، چندین خبرگزاری باکو را مسئول مناقشه دانسته و آن را مخالف منافع ملی ایران توصیف کردند. مشرق آذربایجان را، نه صرفاً به دلیل اتحاد نزدیک با اسرائیل، بلکه به دلیل خطر باکو برای آذربایجان ایران، تهدید کننده‌ی امنیت ملی ایران معرفی کرد (Mashregh, 2020). مشرق در نوشته‌ای به حضور صهیونیست‌ها، تکفیری‌ها و نئوعثمانی‌ها در آذربایجان پرداخته و به شدت به رژیم باکو تاخت (Imani, 2020). خبرگزاری تسنیم در حالی که واشنگتن و اورشلیم را مسئول

جنگ می‌دانست و به طرفین نسبت به بازی در دست این دو شیطان هشدار می‌داد، به نقل از یک کارشناس ایرانی مدعی شد که آذربایجان حق دارد ارمنستان را از «سرزمین‌های اشغالی» خود بیرون کند (Tasnim, 2020/10/03). تضاد دو روایت مذکور، در مواضع بالا نیز دیده می‌شود.

در روزهای ابتدایی جنگ، فیلم و عکس‌هایی از کامیون‌های روسی در پایانه مرزی نوردوز منتشر و ادعا شد که حامل تجهیزات روسی به مقصد ارمنستان هستند. معاون سیاسی امنیتی استاندار آذربایجان شرقی، ارسال هر گونه تجهیزات نظامی از طریق ایران را تکذیب کرد (IRNA, 2020/09/29). از آن جا که تاکید بر پیوندهای دیرینه مذهبی، فرهنگی و تاریخی میان آذری‌ها و ایرانی‌ها و تکلیف شرعی ایران در حمایت از مسلمانان و همبستگی قومی ساکنان دو سوی ارس از وزن بالایی در جامعه و به دنبال آن در سیاست خارجی ایران در جنگ قره‌باغ برخوردار بود، شایعاتی از این دست، جامعه را به شدت تحت تاثیر قرار می‌داد. در این دوره، رسانه‌های ترکیه نیز، سعی در تحریک آذری‌های ایران داشتند. به دنبال این تحولات، تجمعاتی در تبریز، اردبیل و زنجان در حمایت از مسلمانان قره‌باغ و اعتراض به ترانزیت کامیون‌های روسی به ارمنستان از خاک ایران صورت گرفت که بعضاً از شعارهای قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه نیز استفاده می‌شد (Mashregh, 2020/10/01). در واقع، تاثیر دو روایت، در این مورد به وضوح دیده می‌شود: هم در تحت تاثیر قرار گرفتن جامعه نسبت به احتمال ارسال تسلیحات روسی به ارمنستان از طریق ایران، در تایید روایت اول؛ و هم تظاهرات آذری‌ها در ایران و شعارهای قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه، در تایید وجود روایت دوم. حتی جامعه مذهبی نیز -به‌خصوص در استان‌های آذربایجانی-، احتمال ارسال تجهیزات نظامی روسیه به ارمنستان از طریق ایران را برخلاف کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است" می‌دانستند. آن‌ها علیرغم استناد به بیانیه نمایندگان ولی فقیه، منتظر واکنش رهبر جمهوری اسلامی بودند.

بر این اساس، در دوره اهمال در سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ، وجود دو روایت «پیوندهای دیرینه مذهبی، فرهنگی و تاریخی و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران»، در کنار عدم



درک توانایی و اراده‌ی جمهوری آذربایجان، مبنی بر بازپس‌گیری اراضی اشغالی، باعث عدم اتخاذ رویکر مناسب و بازیگری فعال و موثر ایران در این دوره شد. ادعای پژوهش این است که در این دوره، دستگاه سیاست خارجی ایران، از شناخت و درک روندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی حاکمی از شکل‌گیری استراتژی جنگی، عاجز بود. ایران، تا میانه‌های جنگ از این روند بی‌اطلاع بود و تصور می‌کرد که این درگیری‌ها نیز به مانند درگیری‌هایی است که پس از جنگ اول همواره بین طرفین رخ می‌داد. از آنجا که اطلاعات و ارزیابی درستی از روندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی و توان و اراده‌ی آذربایجان نداشت، انتظار برخورداری باکو از موضع برتر را نداشت. علیرغم اعلام حمایت از تمامیت ارضی و حاکمیت سیاسی طرفین و تاکید بر قطعنامه‌های شورای امنیت و حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلاف، نتوانست در فرایند مناقشه، رویکرد مناسبی داشته باشد و زمانی که نیروهای آذری مناطق مورد مناقشه‌ی هم‌مرز با ایران را تحت کنترل گرفتند، ضمن آگاهی دیر هنگام از وجود اراده‌ی تغییر شرایط، دچار بلاتکلیفی شد.

۶-۲. بلاتکلیفی

دوره‌ی بلاتکلیفی در سیاست خارجی ایران در بحران قره‌باغ، اشاره به رویکرد آن در دوره‌ی «محسوس بودن برتری آذربایجان» در جنگ دوم قره‌باغ دارد. در این دوره، تصور دوره‌ی قبل از بین رفته بود. شرایط حاکمی از آمادگی باکو برای بازپس‌گیری مناطق مورد مناقشه بود. وقتی آذربایجان برتری خود بر ارمنستان را دیکته کرد و شهرهای فضولی، زنگیلان، جبرائیل و قوبادلی در اختیار گرفت و پس از ۳۰ سال به مرزهایش با ایران رسید، تهران از اراده‌ی باکو برای بازپس‌گیری مناطق مورد مناقشه آگاه شد و پس از گذشت یک ماه از آغاز جنگ سعی در کنشگری فعال داشت.

۷ آبان، معاون سیاسی وقت وزارت امور خارجه ایران، طرح ابتکاری پیشنهادی ایران برای حل مناقشه‌ی قره‌باغ را به باکو ارائه کرد و روزهای بعد نیز، آن را به مسکو، ایروان و آنکارا برد (IRNA, 2020/10/28). فرستاده‌ی ویژه‌ی جمهوری اسلامی به باکو، مسکو، ایروان و آنکارا معتقد بود طرح ایران می‌توانست در چند مرحله اوضاع را به یک صلح پایدار برساند و به اختلافات موجود و اشغال اراضی آذربایجان خاتمه دهد؛ همچنین بر

حفظ حقوق اقلیت‌ها و حقوق بشردوستانه در این طرح، تاکید شده بود (IRNA, 2020/10/28). طرح ایران، بر مبنای اصول انسان‌دوستانه، به برقراری آتش‌بس، توقف حمله به مناطق مسکونی و غیرنظامیان و بازگشت آوارگان به خانه‌هایشان تصریح می‌کرد (IRNA, 2020/10/29). وزیر امور خارجه وقت، احترام به تمامیت ارضی، حل و فصل صلح‌آمیز مناقشه و تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی، را اصول دیپلماسی ایران در جنگ دوم قریه‌باغ بیان می‌کرد (IRNA, 2020/10/27). از طرح پیشنهادی ایران برای حل مناقشه‌ی قریه‌باغ، به‌جز تکرار کلیات مطرح شده در طول ۳۰ سال، جزئیات بیشتری منتشر نشد. در واقع، تاکید بر تمامیت ارضی و تغییرناپذیری مرزهای بین‌المللی، پایان دادن به اشغال اراضی آذربایجان، حفظ حقوق اقلیت‌ها و حقوق بشردوستانه، توقف حملات به مناطق مسکونی و افراد غیرنظامی، بازگشت آوارگان جنگی به خانه‌های خود، برقراری آتش‌بس و آغاز گفتگوها برای خاتمه‌دادن به اختلافات و رسیدن به یک صلح پایدار با همکاری ایران، روسیه، ترکیه و طرفین اختلاف، از اصول مهم و اساسی طرح ابتکاری ایران برای حل بحران قریه‌باغ بود.

نکته‌ی قابل توجه، بی‌توجهی طرفین درگیر و دو کشور روسیه و ترکیه به طرح ایران بود. علیرغم مماشات ایران، مسکو علاقه‌ای به نفوذ و نقش‌آفرینی ایران در قفقاز ندارد. ترکیه نیز در پی جای پای محکمی بدون حضور ایران، در قفقاز است. اسرائیلی‌ها هم در تصمیم مقامات باکو در قبال ایران، موثرند. با توجه به این‌که طرح ایران، کریدور تورانی ناتو را حذف می‌کرد، آمریکا نیز دیگران را به بی‌توجهی به این طرح، تشویق می‌کرد. از آن جایی هم که ایران، از شناخت روندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی ناتوان بود و در ادامه، توان و اراده‌ی آذربایجان برای پایان‌دادن به اشغال اراضی خود را دیر دریافت، طرح پیشنهادی نیز علیرغم تکرار مواضع قبلی جمهوری اسلامی، حاصلی نداشت. با این‌که معاون سیاسی وقت وزارت امور خارجه، واقع‌بینی و رویکرد منطقه‌ای را دو ویژگی طرح ایران عنوان می‌کرد (IRNA, 2020/10/29)، به نظر می‌رسد که جزئیات طرح نیز، به صورت دقیق مشخص نشده و تکرار مواضع کلی‌ای است که همواره در طول ۳۰ سال بیان شده بود. نکته دیگر، ارائه‌ی طرح توسط معاون سیاسی بود. چنان‌که رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه‌ی به گفتگوی تلفنی با مقامات طرفین درگیری و



مقامات روسیه و ترکیه بسنده می‌کردند، وزرای خارجه و روسای جمهور روسیه و ترکیه، کنشگری فعال و تاثیرگذاری داشتند. بنابراین، ارائه‌ی طرح توسط معاون وزیر امورخارجه و عدم رایزنی‌های گسترده و فعالیت‌های دیپلماتیک جدی، عامل دیگر بی‌توجهی به طرح ایران بود. به طوری که در عمل شاهد عدم تاثیرگذاری طرح ایران در بحران قره‌باغ و در کل، عدم تاثیرگذاری ایران در روند صلح بودیم.

از طرفی، می‌توان ادعا کرد که سیاست خارجی ایران در قفقاز، اسیر روسیه شده است. طوری که ایران، سیاست خارجی خود در قفقاز را در تضاد با سیاست‌های روسیه پیش نمی‌برد. پس از آن که تهدید آمریکا بر علیه ایران با فروپاشی اتحاد شوروی افزایش یافت، ایران ترجیح داد برای جلوگیری از افزایش نفوذ آمریکا در قفقاز جنوبی، توسعه‌ی نفوذ روسیه در منطقه را تحمل کند (Şeker, 2021: 7). به این ترتیب، ایران مانعی در جناح جنوبی روسیه، برای آن کشور به وجود نیاورد. رابطه‌ی مبتنی بر دشمنی ایران و آمریکا، با توجه به پتانسیل قفقاز جنوبی برای محاصره‌ی ایران، ایران را به همسویی با سیاست‌های روسیه در قفقاز سوق داده است.

از سویی نیز، ایران دچار «تنهایی استراتژیکی»^۱ است (Mesbahi, 2011: 18-20). یعنی «در تدوین، کاربرد و پیشبرد استراتژی‌های کلان خود، تنهاست» و هیچ‌گونه اتحاد طبیعی با ابرقدرت جهانی، قدرت بزرگ یا قدرتی در غرب آسیا ندارد (Reisinezhad & Sadeqi, 2020: 183). در چنین شرایطی است که کشور با اسیر ساختن سیاست خارجی‌اش، ضمن از دست دادن منافع منطقه‌ای، با تهدیدهای ژئوپلیتیکی در منطقه مواجه می‌شود.

بر این اساس، در دوره‌ی بلا تکلیفی در سیاست خارجی ایران در جنگ دوم قره‌باغ که پس از محسوس شدن برتری آذربایجان آغاز می‌شود، ایران از اراده‌ی آذربایجان برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی خود آگاه شده و با بلا تکلیفی در دستگاه سیاست خارجی، به کنشگری می‌پردازد. ایران با درک دیر هنگام از روندهای بین‌المللی، منطقه‌ای و داخلی و اراده‌ی آذربایجان برای تغییر شرایط، با ارائه‌ی طرح ابتکاری‌ای که تکرار مواضع ایران در سال‌های گذشته بود، به کنشگری پرداخت. اما چون جزئیات طرح و برقراری صلح

1 Strategic Loneliness

پایدار منطقه‌ای مشخص نشده بود و رایزنی گسترده و فعالیت دیپلماتیک جدی توسط دستگاه دیپلماسی ایران صورت نگرفت؛ این طرح موفق نشد. طرفین و بازیگران دیگر نیز، به دلایلی که توضیح داده شد، نسبت به طرح ایران مشتاق نبودند. این دوره، که از زمان تسلط آذربایجان بر نواحی هم‌مرز با ایران، آغاز می‌شد، تا قبول شکست توسط ارمنستان و آغاز مذاکرات منتهی به توافق‌نامه‌ی مسکو را شامل می‌شود. در ۷ نوامبر آذربایجان کنترل ۴ مرکز شهر، ۳ قبضه و بیش از ۲۲۰ روستا را در اختیار داشت (Anadolu, 2020) و در ۸ نوامبر نیز شهر تاریخی شوشی (IRNA, 2020)، نزدیک‌ترین شهر به پایتخت جمهوری خودخوانده‌ی قره‌باغ، در کنترل نیروهای آذری قرار گرفت. آزادی شوشی، ارمنستان را به قبول شکست در جنگ وادار کرد. در ۹ نوامبر، طرفین با وساطت پوتین، توافق‌نامه‌ی آتش‌بس را امضا کردند که برتری آذربایجان در جنگ تثبیت شد.

۳-۶. غافلگیری

دوره‌ی غافلگیری در سیاست خارجی ایران در قبال بحران قره‌باغ، اشاره به رویکرد آن در دوره‌ی «تثبیت برتری آذربایجان» در جنگ دوم قره‌باغ و امضا توافق‌نامه‌ی آتش‌بس با میانجی‌گری روسیه دارد. ایران از آن‌جا که کنشگری مؤثری در تحولات جنگ دوم قره‌باغ نداشت، به‌مراتب نتوانست در مذاکرات مربوط به آتش‌بس و توافق‌نامه‌ی مسکو نیز نقشی داشته باشد.

آذربایجان در جنگی که از ۲۷ سپتامبر آغاز شد، قدم به قدم نیروهای ارمنی را از مناطق اشغالی عقب می‌راند، در ۸ نوامبر شوشی را تحت کنترل گرفت (IRNA, 2020). روز بعد، ۲۳ روستای دیگر را نیز آزاد کرد (Trend, 2020). در این شرایط، ارمنستان پیروزی آذربایجان را در جنگ می‌پذیرد و با وساطت رئیس‌جمهور روسیه، مذاکرات آغاز می‌شود.

هنگامی که مذاکرات میان باکو و ایروان آغاز شد، جمهوری آذربایجان نیروهای ارمنی را از بسیاری از مناطق اشغالی به عقب رانده و به نزدیکی‌های پایتخت جمهوری خودخوانده‌ی قره‌باغ رسیده بود. در واقع، مذاکرات در شرایط برتری آذربایجان در میدان نبرد و قبول این موضوع از سوی ارمنستان آغاز شد. توقف جنگ و آغاز مذاکرات به



معنی شکست نظامی و تسلیم ارمنستان در جنگ دوم قره‌باغ بود. آذربایجان می‌رفت تا دستاورد نظامی خود در میدان را به دستاورد دیپلماتیک تبدیل کند. براساس توافق‌نامه‌ی مذکور، درگیری‌ها بین طرفین متوقف و آتش‌بس از ساعت ۰۰:۰۰ به وقت مسکو از ۱۰ نوامبر ۲۰۲۰ برقرار شد (News.ru, 2020/11/10). ارمنستان می‌بایست نواحی دیگری را که هنوز در اشغال داشت، در تاریخ‌های مقرر تخلیه می‌کرد، آوارگان و پناهندگان جنگی تحت نظارت دفتر کمیساریای عالی سازمان ملل متحد در امور پناهندگان به سرزمین خود بازمی‌گشتند؛ همچنین برای ارتباط بین قره‌باغ با ارمنستان و جمهوری خودمختار نخجوان با سرزمین اصلی آذربایجان، دو مسیر پیش‌بینی شد؛ در ضمن، مقرر شد که نیروهای حافظ صلح روسی، با ۱۹۶۰ پرسنل نظامی با سلاح‌های سبک، ۹۰ نفر بر زره‌پوش، ۳۸۰ خودرو نظامی و سایر تجهیزات، برای نظارت بر آتش‌بس، به مدت ۵ سال که قابلیت تمدید مجدد ۵ ساله نیز دارد، در امتداد خط مقدم در قره‌باغ و در امتداد گذرگاه لاجین مستقر شوند (Kremlin.ru, 2020/11/10). ترکیه نیز، در ایجاد مرکز مشترک برای کنترل آتش‌بس در قره‌باغ (IRNA, 2020/11/12) و اعزام نیروی حافظ صلح به جمهوری آذربایجان، به روسیه اضافه شد (IRNA, 2020/11/17).

توافق‌نامه‌ی امضا شده بین آذربایجان، ارمنستان و روسیه، شامل ۹ بند بود و همه‌ی بندهای آن، به جز بند ۹ که مربوط به ارتباط سرزمین اصلی آذربایجان با نخجوان است، تا حدودی اجرا شده است. براساس موضوعی که در طول عمر ۳۰ ساله‌ی بحران قره‌باغ و به‌خصوص در تحولات جنگ دوم قره‌باغ از سوی ایران اعلام شده است، ۸ بند اول توافق‌نامه با مواضع مقامات ایرانی تضاد آن چنانی ندارد. چه‌بسا بسیاری از مواضع ایران، نظیر تأکید بر تمامیت ارضی طرفین، حاکمیت سیاسی طرفین، آزادسازی اراضی اشغالی آذربایجان و پایان دادن به درگیری‌ها در ۸ بند ابتدایی آن، تأمین شده است. چنان که در بیانیه وزارت امور خارجه در واکنش به توافق، به وضوح آمده است که «اصول آن [توافق‌نامه] در طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی ایران نیز آمده بود» (Ministry of Foreign Affairs of the Islamic Republic of Iran, 2020/11/10). حتی ایران استقرار نیروهای روسی را بر نیروهای بین‌المللی با حضور آمریکا و اروپا ترجیح می‌دهد. بند ۹ نیز، اگر تنها به کریدور ارتباطی و حمل‌ونقل تجاری مربوط باشد، به خودی‌خود با منافع

ایران در تضاد نیست. تضاد اصلی هنگامی پیش می‌آید که ادعاهایی مبنی بر تصرف سرزمینی استان سیونیک ارمنستان و قطع ارتباط زمینی ایران با ارمنستان مطرح می‌شود. برخی معتقدند کریدور بین مرکز قره‌باغ و ارمنستان اهمیت سیاسی فوق‌العاده‌ای دارد، اما اهمیت سیاسی کریدور زنگه‌زور، از آن جا که آذربایجان از طریق ایران به نخجوان دسترسی دارد، کمتر از اهمیت اقتصادی است (Semsar, 2020). اما رئیسی‌نژاد در ردّ این ادعا که دالان زنگه‌زور صرفاً اقتصادی خواهد بود و خطری برای ایران ایجاد نمی‌کند، می‌گوید «درک از منطق ژئوپلیتیک و تاریخ سیاست بین‌الملل این نگاه را از بین می‌برد. تاریخ را باید بارها خواند: ابتدا راه می‌آید سپس تسخیر سرزمینی. شاهراه‌های منطقه‌ای بستری برای نزاع برای کنترل آن‌ها و مقدمه‌ای برای تسخیر سرزمینی خواهند بود» (Reisinezhad, 2020).

علاقه آذربایجان و مخصوصاً ترکیه به تصرف استان سیونیک ارمنستان، سابقه‌ای طولانی دارد. در کنار دسترسی آذربایجان به نخجوان، بدون نیاز به ایران، از طریق کریدور زنگه‌زور، این کریدور اهمیت بسزایی برای ترکیه دارد. ترک‌ها، حضور در آسیای مرکزی و قفقاز را بازگشت به سرزمین پدری‌شان می‌دانند (Hajiyousefi, 2005: 113; In Javadi Arojmand & Fallahi, 2015: 219). جمهوری آذربایجان، اولین مقصد در مسیر جهان ترک پیش‌روی ترکیه است. ایران و ارمنستان، بین ترکیه و جهان ترک فاصله انداخته‌اند. لذا تسلط آذربایجان همسو با سیاست‌های پان‌ترکیستی و پان‌تورانیستی ترکیه، به استان سیونیک ارمنستان می‌تواند این هدف ترکیه را تامین کند. از سوی دیگر، ترکیه به دنبال حذف ایران از ترانزیت منطقه‌ای است. از هنگامی که چین طرح «یک راه یک کمربند» را اعلام کرد، ترکیه آن را در راستای منافع ملی خود دانسته است (Reisinezhad, 2021: 119). منابع انرژی با ارزش، آسیای مرکزی را برای ترکیه بسیار با اهمیت ساخته است. ترکیه در طول دهه‌ی نود و بعد از آن، از مهم‌ترین شرکای اقتصادی جمهوری‌های نوظهور آسیای مرکزی بوده است. ترکیه سعی کرده است راه ابریشم نوین را با طرح‌های جاه‌طلبانه‌ی خویش در دسترسی به جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز، از مسیر دریای خزر پیوند زند و با این که در طرح اصلی از جمهوری‌های قفقاز عبور نمی‌کرد، اما تحریم ایران، اهمیت روزافزون

دریای خزر و بازیگری فعال ترکیه، دو کشور آذربایجان و گرجستان را در مسیر کشورهای اصلی در راه ابریشم نوین قرار داد؛ به طوری که این مسیر با دو خط لوله‌ی گاز طبیعی قفقاز جنوبی و خط لوله‌ی نفت باکو-تفلیس-جیهان موازی است، و بر این اساس وجود ذخایر انرژی آسیای مرکزی و حوزه‌ی دریای خزر و انتقال آن از طریق قفقاز به بازارهای جهانی، چشم‌انداز استراتژیک ترکیه برای احداث خط لوله‌ی باکو-تفلیس-جیهان را روشن ساخته و مداخله‌ی ترکیه در جنگ دوم قره‌باغ را هم توجیه می‌کند (Reisinezhad, 2021: 121-123).

بدین ترتیب، ادعاهایی نسبت به استان سیونیک و منطقه‌ی زنگه‌زور ارمنستان وجود دارد. به طوری که رئیس‌جمهور آذربایجان ضمن اعلام این که قصد دارند تا دو سال و نیم آینده، راه‌آهن آذربایجان را تا مرزهای‌شان با ارمنستان ایجاد کنند، معتقد است کشورش راه‌آهن خود را از طریق کریدور زنگه‌زور به نخجوان و ترکیه وصل خواهد کرد؛ علی‌اف همچنین با اشاره به این که زنگه‌زور در سال ۱۹۲۰ به ارمنستان داده شده است و همچنین آرامنه قسمت تاریخی ایروان را که پدربزرگ‌های او آن جا زندگی می‌کردند، نابود کرده‌اند، مدعی است نمی‌خواهد نسل جوان از تاریخ خود غافل بماند و او هیچ ادعایی علیه اراضی ارمنستان ندارد (President of the Republic of Azerbaijan, 2021/04/13).

رئیس‌جمهور آذربایجان صلح را مشروط به باز شدن کریدور زنگه‌زور می‌داند (Apa, 2022/06/16). احداث زیرساخت‌هایی نظیر فرودگاه، راه‌آهن و جاده در زنگیلان که هم‌مرز با استان سیونیک ارمنستان است، در راستای این چشم‌انداز قابل تحلیل است. علی‌اف با تأکید بر این که کریدور زنگه‌زور یک واقعیت است، اشاره می‌کند که راه‌آهن و بزرگراهی که از قلمرو منطقه‌ی زنگیلان می‌گذرد نه تنها بخش اصلی آذربایجان را به جمهوری خودمختار نخجوان متصل می‌کند، بلکه در عین حال یک جاده‌ی بین‌المللی جدید برای حمل و نقل کالا خواهد بود؛ رئیس‌جمهور آذربایجان ضمن اشاره به این که راه‌آهن زنگیلان به اردویاد در جمهوری خودمختار نخجوان از ایران می‌گذرد، تأکید می‌کند که این راه‌آهن باید از خاک ارمنستان نیز، بگذرد (President of the Republic of Azerbaijan, 2022/05/04) و کریدور زنگه‌زور باید وضعیت کریدور لاجین را داشته

باشد، وگرنه آذربایجان یک پست گمرکی-مرزی در کریدور لاپین ایجاد خواهد کرد (BBC, 2022/06/20). در واقع، آذربایجان می‌خواهد که ارمنستان برای عبور و حمل‌ونقل آذربایجان از کریدور زنگه‌زور هیچ محدودیت و هیچ نظارتی ایجاد نکند. بنابراین، هدف کلی و آرمانی ترکیه و جمهوری آذربایجان در مناقشه‌ی قره‌باغ، اتصال زمینی جمهوری خودمختار نخجوان به زنگیلان در سرزمین اصلی آذربایجان و در کل اتصال ترکیه به آذربایجان و دریای خزر از طریق استان سیونیک ارمنستان است. اما تحقق این امر، تهدید جدی برای منافع ایران است. ترکیه و جمهوری‌های قفقاز، با دور زدن و حذف ایران در ترانزیت بین‌المللی نقش اصلی را بازی می‌کنند. ایران به دلیل تحریم‌های بین‌المللی و تنش با آمریکا، از آن‌جا که عبور راه ابریشم نوین از قفقاز برای آمریکا قابل تحمل‌تر است، از این پروژه کنار گذاشته می‌شود (Reisinezhad, 2021: 121). علاوه بر این، از آن‌جایی که در نتیجه‌ی این جنگ، ارمنستان در موضع ضعف و آذربایجان در موضع قدرت قرار دارد، امکان فشار آوردن به ارمنستان برای مبادله‌ی قره‌باغ و زنگه‌زور وجود دارد که در این صورت، منافع و حتی امنیت ایران، بیش از پیش تهدید می‌شود. از آن‌جا که مبادله قره‌باغ با استان سیونیک ارمنستان، زیان جبران‌ناپذیری برای ایران به همراه خواهد داشت (Reisinezhad, 2020) ایران، با جدیت با این طرح مخالفت می‌کند و مانع تحقق آن خواهد شد. ترکیه در گذشته نیز طرح واگذاری قره‌باغ به جمهوری ارمنستان در مقابل واگذاری استان سیونیک ارمنستان به آذربایجان را مطرح کرده بود که با مخالفت شدید ایران همراه بود (Javadi Arjomand & Fallahi, 2015: 214). اخیراً نیز رهبر جمهوری اسلامی، ضمن ابراز خرسندی از بازگشت قره‌باغ به آذربایجان، مخالفت آتی جمهوری اسلامی با مسدودسازی مرز ایران و ارمنستان را اعلام کرد (Khamenei.ir, 2022/07/19). در پاییز ۱۴۰۱ که ایران درگیر بحران داخلی بود، روسای جمهوری آذربایجان، ترکیه و نخست‌وزیر ارمنستان در پراگ، در جریان اجلاس جامعه سیاسی اروپا با هم دیدار کردند. براساس اعلام رسانه‌های آذربایجان و ترکیه، ارمنستان در پراگ حاکمیت آذربایجان بر قره‌باغ را به رسمیت شناخت (Haber Vakti, 2022/10/06). در ادامه تحرکاتی نیز از سوی نیروهای آذربایجان در نزدیکی مرز ایران و ارمنستان صورت گرفت که سپاه با برگزاری رزمایش اقتدار و نمایش عبور از رودخانه

ارس، واکنش نشان داد و بر موضع مخالف ایران با تغییر ژئوپلیتیک منطقه در مرزهایش با ارمنستان تاکید کرد (Tasnim, 2022/10/19). تقریباً یک سال پس از پایان جنگ ۴۴ روزهی قره‌باغ، آذربایجان به همراه متحدین خود در دریای خزر و همچنین در منطقه‌ی نخجوان، اقدام به برگزاری رزمایش نظامی کرد. آذربایجان از ۷ سپتامبر ۲۰۲۱ با ترکیه در دریای خزر، رزمایش پنج روزه (Ministry of Defense of the Republic of Azerbaijan, 2021/09/07) و از ۱۲ تا ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۱ با ترکیه و پاکستان در باکو، رزمایش «سه‌برادر» را برگزار کرد (Ministry of Defense of the Republic of Azerbaijan, 2021/09/11). قبل از این هم چندین رزمایش نظامی مشترک آذربایجان با ترکیه برگزار شده بود، ولی رزمایش سه کشور آذربایجان، ترکیه و پاکستان برای نخستین بار بود. این رزمایش‌ها، در کمتر از یک سال پس از پایان جنگ دوم قره‌باغ، می‌تواند به عنوان مانور قدرت و شاخ و شانه کشیدن در برابر ایران و ارمنستان تعبیر شود و به نوعی اهرم فشاری برای اجرایی ساختن بند ۹ توافق‌نامه‌ی مسکو و در ادامه شاید تصرف استان سیونیک ارمنستان قلمداد شود. از آن جا که دریای خزر غیرنظامی است، حضور کشور غیرساحلی و برگزاری رزمایش نظامی، به معنای نقض کنوانسیون دریای خزر است. در کنار این، رفتار نامناسب آذربایجان با رانندگان ایرانی در خاک آن کشور و زندانی کردن آنان به بهانه ورود غیرمجاز به قره‌باغ، باعث افزایش تنش بین ایران، آذربایجان و ترکیه شد. قبلاً نیز، شعرخوانی اردوغان در جشن پیروزی در باکو، موجب تشدید تنش‌ها شده بود. ایران در واکنش به این اتفاقات و رزمایش‌های آذربایجان با متحدینش، اقدام به برگزاری رزمایش «فاتحان خیبر» در مرزهایش با آذربایجان کرد (ISNA, 2021/10/01). ایران، هدف رزمایش را ارتقای آمادگی بیان کرده و حضور اسرائیل در منطقه را به‌عنوان عامل برهم زنده‌ی امنیت، عامل افزایش حساسیت جمهوری اسلامی به مرزهای شمال غرب عنوان کرد (ISNA, 2021/10/01). در مقابل، ریاست جمهوری آذربایجان، با تعجب‌برانگیز خواندن رزمایش ایران در نزدیکی مرز آذربایجان، نسبت به زمان و محل برگزاری رزمایش ایران، واکنش نشان داد (ISNA, 2021/09/27). در واقع، ایران با برگزاری رزمایش، مانع از عملی شدن تصرف استان سیونیک در آن مقطع شد. رزمایش اقتدار نیز در این راستا قابل تحلیل است. به نظر

می‌رسد، باکو و آنکارا مترصد فرصت خواهند ماند، تا زمانی که ایران درگیر مسائل دیگر است، هدف‌شان را محقق کنند. بنابراین ایران باید نسبت به این موضوع آمادگی داشته باشد. در این مقطع که ایران با بند مربوط به کریدور زنگه‌زور غافلگیر شد، تاثیر عواملی که اشاره شد، دیده می‌شود. ایران تنها مخالف کریدور زنگه‌زور است (Reisinezhad, 2022). با این که روسیه کریدور زنگه‌زور را موافق منافع خود نمی‌داند، اما مخالف خیلی جدی آن، حداقل در این مقطع، نیست. سطح بین‌الملل نیز که در پی منزوی ساختن ایران است و با کنشگری ترکیه و جمهوری‌های قفقاز، ایران را از راه ابریشم نوین کنار می‌گذارد، با عبور کریدور تورانی ناتو از مرز ایران با آذربایجان و ارمنستان، ایران را در شرایط بدتری در قفقاز قرار می‌دهد. مرز ایران و ارمنستان آن قدر مهم است که جمهوری اسلامی، اجازه تغییر در آن را ندهد. اهمیت مرزهای ایران با ارمنستان، در شرایطی که ایران تحت شدیدترین تحریم‌های بین‌المللی است و کشورهای منطقه با کنشگری بر علیه ایران، در صدد محاصره و حذف آن از روندهای تجاری و اقتصادی منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای هستند، ایجاب می‌کند که در اولویت‌های سیاست خارجی و منطقه‌ای ایران، توجه بیشتری به قفقاز شود.

نتیجه‌گیری

در نتیجه‌ی جنگ دوم قره‌باغ و توافق‌نامه‌ی مسکو، مناقشه‌ی قره‌باغ و دشمنی دو همسایه‌ی ایران حل و فصل نشد، اما آغاز روندی بود که می‌تواند به تحقق صلح و امنیت پایدار در قفقاز جنوبی منجر شود. در طول جنگ، نیروهای ارمنستان از بسیاری از اراضی جمهوری آذربایجان عقب رانده شدند. طی درگیری میان دو طرف، جمهوری آذربایجان کنترل شهرهای جبرائیل، قوبادلی، زنگیلان، فضولی و شوشی و همچنین بسیاری از روستاهای منطقه‌ی مورد مناقشه را به دست آورد. هر چند که در توافق‌نامه‌ی مسکو، تکلیف منطقه‌ی قره‌باغ و جمهوری خودخوانده قره‌باغ به‌طور کامل مشخص نشد، اما ارمنستان با قبول شکست در جنگ، نیروهای خود را از مناطق دیگری که تا روز ۴۴-ام جنگ تحت کنترل داشت، خارج کرد. کریدور لاجین برای ارتباط آرامنه‌ی قره‌باغ با ارمنستان و امکان ارتباط نخجوان با زنگیلان در غرب سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان که دستاویزی برای طرح کریدور زنگه‌زور شد، نیز در توافق‌نامه‌ی ۹ نوامبر



پیش‌بینی شد. طبق تقسیم جنگ ۴۴ روزه قره‌باغ به سه دوره‌ی «محسوس نبودن برتری جمهوری آذربایجان»، «محسوس بودن برتری جمهوری آذربایجان» و «تثبیت برتری جمهوری آذربایجان»، روند رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در جنگ دوم قره‌باغ، مبتنی بر سه روند «اهمال»، «بلا تکلیفی» و «غافلگیری» قابل تبیین است. رویکرد سیاست خارجی ایران در مناقشه‌ی قره‌باغ، از ابتدای بحران قره‌باغ تا به حال، مبتنی بر روند حامی‌گری از مسلمانان است. آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی، در بیانات مختلف خود در طول سالیان، ضمن تبیین ضرورت دفاع از سرزمین در برابر متجاوز به‌عنوان یک تکلیف دینی برای آذربایجانی‌ها، بر موضع "قره‌باغ خاک اسلام است" تاکید کرده است. کلان روایت "قره‌باغ خاک اسلام است" در طول بحران قره‌باغ، بر رویکرد سیاست خارجی ایران تاثیر گذاشته است. وجود دو روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی، فرهنگی و تاریخی میان آذری‌ها و ایرانی‌ها و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران»، و ناتوانی در تعادل بین این دو روایت، اجماع در تصمیم‌گیری سیاست خارجی را مشکل کرده است. مامشات ایران در برابر روسیه علی‌رغم عدم علاقه روس‌ها به نقش‌آفرینی ایران در قفقاز جنوبی، یا به‌عبارتی اسیر شدن سیاست قفقازی ایران توسط روسیه، حضور فعال دشمن تاثیرگذاری چون اسرائیل و رقیب قابل احترامی چون ترکیه در کنار جمهوری آذربایجان در مناقشه‌ی قره‌باغ و بازیگری آن‌ها بر ضد منافع ایران و در کنار روند تقابلی ایران با ساختار نظام بین‌الملل و روابط مبتنی بر تنش با آمریکا، روندهای منطقه‌ای و بین‌المللی را بر علیه ایران شکل داده است. تاثیر این عوامل در رویکردهای «اهمال»، «بلا تکلیفی» و «غافلگیری» ایران در جنگ دوم قره‌باغ تبیین شده است.

در جنگ دوم، ایران ابتدا از برتری جمهوری آذربایجان و توان و اراده‌ی آن برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی غافل بود. این دوره، از ابتدای جنگ تا تسلط نیروهای باکو بر فضولی در ۱۷ اکتبر و زنگیلان و روستاهای باقی‌مانده‌ی جبرائیل در ۲۰ اکتبر را شامل می‌شود که آذربایجان ساحل شمالی ارس را به کنترل خود درآورد. در این دوره، ایران با اهمال و عدم درک توانایی و اراده‌ی جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی، در کنار ناتوانی در ایجاد توازن میان دو روایت «پیوندهای دیرینه‌ی مذهبی،

فرهنگی و تاریخی و تکلیف حمایتی جمهوری اسلامی ایران از شیعیان» و «بستر تجزیه‌طلبانه در استان‌های آذری‌نشین ایران»، با اهمال به کنشگری پرداخت. پس از آن که آذربایجان، ساحل شمالی ارس را تحت کنترل گرفت، ایران با آگاهی دیر هنگام از توانایی و اراده‌ی آذربایجان برای بازپس‌گیری اراضی اشغالی با بلا تکلیفی سعی در کنشگری فعال داشت و به ارائه‌ی طرح ابتکاری پیشنهادی برای حل بحران قره‌باغ اقدام کرد. اما به دلیل مشخص نبودن جزئیات طرح و عدم رایزنی گسترده و فعالیت دیپلماتیک جدی، طرح ابتکاری ایران، نتوانست کاری از پیش ببرد. در آخر، در دوره تثبیت برتری جمهوری آذربایجان، ایران با بند ۹ توافق‌نامه‌ی مسکو، غافلگیر شد. بند ۹، هرچند به طور مستقیم به کریدور زنگه‌زور اشاره نمی‌کند، اما بخشی از روندی است که کریدور زنگه‌زور را از طرحی انتزاعی به طرحی عملی نزدیک‌تر می‌کند. در واقع، چنین کریدوری که با هدفی فراتر از ارتباط نخجوان و سرزمین اصلی جمهوری آذربایجان طراحی شده است، یک شبهه احداث نمی‌شود. بند ۹ توافق‌نامه‌ی مسکو، از مراحل روند احداث کریدور زنگه‌زور است، نه تمام روند. این کریدور در صورت تحقق، ترکیه را از طریق جمهوری آذربایجان به دریای خزر و کشورهای ترک آسیای مرکزی متصل می‌کند. تحقق این امر، تهدید جدی برای منافع ایران است. ترکیه و جمهوری‌های قفقاز، مهره‌های مهمی برای دور زدن و حذف ایران از ترانزیت بین‌المللی هستند. ایران به دلیل تقابل با نظام بین‌الملل و روابط مبتنی بر تنش ایران و آمریکا، از راه ابریشم نوین نیز کنار گذاشته می‌شود.

از آن جایی که در نتیجه‌ی این جنگ، ارمنستان در موضع ضعف و آذربایجان در موضع قدرت قرار دارد، امکان فشار آوردن به ارمنستان برای مبادله‌ی قره‌باغ و زنگه‌زور وجود دارد که در این صورت، منافع و حتی امنیت ایران، بیشتر از قبل تهدید می‌شود. از آن جا که تعویض قره‌باغ با استان سیونیک ارمنستان و قطع ارتباط ایران با ارمنستان، با منافع ایران در تضاد کامل است؛ قابل پیش‌بینی است ایران، با جدیت با این طرح مخالفت کند و مانع تحقق آن شود. با این که قفقاز جنوبی جایگاه مهمی در سیاست منطقه‌ای ایران نداشته است، اما برای جبران زیان‌هایی که در نتیجه‌ی جنگ دوم قره‌باغ متوجه شده است، بایستی در سیاست خارجی منطقه‌ای، نگاه به قفقاز به‌عنوان حوزه‌ی نفوذ، در

اولویت جمهوری اسلامی قرار گیرد. تنش در روابط با جمهوری‌های قفقاز جنوبی، به نفع ایران نیست. دیپلماسی ایران بایستی در جهت کاستن از نفوذ اسرائیل و ترکیه و ایجاد توازن در همکاری‌هایش با روسیه و ترکیه در منطقه حرکت کند. به طوری که از مماشات با روسیه فاصله بگیرد، و در کنار روسیه با ترکیه نیز همکاری کند. ایران همچنین باید ضمن تعادل در روابط با جمهوری آذربایجان و ارمنستان، نقش برادر بزرگ‌تر را ایفا کند. توجه به دیپلماسی راه و انرژی نیز برای تامین منافع کشور در قفقاز جنوبی بسیار مهم است.

منابع

- Atai, F. (2012). Iran and the South Caucasus Countries. **Central Eurasia Studies**, Volume 5, Issue 10. doi: 10.22059/jcep.2012.25031 [In Persian]
- Atayi, F. (2000). competition in the region; Examining the policies of Iran and Türkiye. **Strategic Studies Quarterly**, Volume 3, Issue 9. Pages 47-60. [In Persian]
- Bekdil, B. (Jun 25, 2020) Azerbaijan to buy armed drones from Turkey». **Defense News**. www.defensenews.com/unmanned/2020/06/25/azerbaijan-to-buy-armed-drones-from-turkey/
- Bhattacharjee, D. (4 January 2017). Israel and Azerbaijan Relation: A Strategic Compulsion. **Indian Council of World Affairs**. [Israel and Azerbaijan Relation: A Strategic Compulsion - Indian Council of World Affairs \(Government of India\) \(icwa.in\)](http://www.icwa.in)
- Bivainis, A. (2022). Multi-dimensional assessment of the Second Nagorno-Karabakh War. **Security and Defence Quarterly**, Volume 38, Issue 2. pages 51-61.
- Boland, B. (October 12, 2020). How Azerbaijan is Lobbying Washington to Sanitize its War. **The American Conservative**. <https://www.theamericanconservative.com/as-war-rages-azerbaijan-pumps-money-and-propaganda-into-u-s-lobbying-machine/>
- CANKARA ÖZDEN, P. & CANKARA Y. (2022). Strategic Relations of Israel with Azerbaijan in the Shadow of Iran and Armenia. **INTERNATIONAL JOURNAL OF AFRO-EURASIAN RESEARCH (IJAR)**, Volume. 7, Issue 13, pages 1-21. [In Turkish]
- Collier, D. (2011). Understanding Process Tracing. **University of California, Berkeley, Political Science and Politics**, volume 44, Issue 4, pages. 823-830. <https://polisci.berkeley.edu/sites/default/files/people/u3827/Understanding%20Process%20Tracing.pdf>
- Ekhbari M (2020). The Geopolitical Implications of the Karabakh Crisis for the Relations of the Islamic Republic of Iran in the Caucasus. **Political Organizing of Space Quarterly**, Volume 3, Issue 1. Pages 20-31. [In Persian]

- Goldstone, Jack A. (1997). METHODOLOGICAL ISSUES IN COMPARATIVE MACROSOCIOLOGY. **COMPARATIVE SOCIAL RESEARCH**, 16, pages 107-120.
- Imani, M (October 2, 2020), Verification of actors; What plan is Karabagh an excuse for?. **Mashregh**. extraction date: November 8, 2022. mshrg.h.ir/1125389 [In Persian]
- Javadi Arjomand, M. J., & Fallahi, E. (2015). The Comparative Examination of Iran and Turkey's Foreign Policy in South Caucasus with Emphasis on Azerbaijan and Armenia. **Central Eurasia Studies**, Volume 8, Issue 2. Pages 211-228. doi: 10.22059/jcep.2015.56845 [In Persian]
- Kaleji, V. (November 15, 2020). A 2+3 mechanism should be established for a sustainable agreement in the Caucasus. **interview with IRNA News Agency**. extraction date: November 8, 2022. <https://irna.ir/xjBWmS> [In Persian]
- Khoshnood, A. & Khoshnood, A. (2021). Iran's Quandary on Nagorno-Karabakh. **Middle East Quarterly**, Volume 28, Issue 2, pages 1-10.
- Mamedov, E. (July 22, 2020). How a hawkish Washington 'think tank' is promoting ethnic strife in Iran. **RESPONSIBLE STATECRAFT**. <https://responsiblestatecraft.org/2020/07/22/how-fdd-is-promoting-ethnic-strife-in-iran/>
- Mashregh (October 2, 2020). Analysis of the Karabakh war. extraction date: November 8, 2022. mshrg.h.ir/1125341 [In Persian]
- McCool, Davis III (2021). **The Role of the Kurds in U.S. Foreign Policy**. MSc. University of Mississippi. Oxford. Honors Theses. 1711. https://egrove.olemiss.edu/hon_thesis/1711
- Mesbahi, M. (2011). Free and Confined: Iran and the International System. **Iranian Review of Foreign Affairs**, Volume 2, Issue 5, pages. 9-34.
- MURINSON, A. (2014). **The Ties Between Israel and Azerbaijan**. Begin-Sadat Center for Strategic Studies.
- Office of Defence Cooperation, US Embassy in Azerbaijan (2021), <https://az.usembassy.gov/embassy/baku/sections-offices/odc/>
- Pashayeva, G. & Blank, S. (2016). **THE U.S. FOREIGN POLICY TOWARDS THE RESOLUTION OF THE NAGORNO-KARABAKH CONFLICT**, BAKU, SAM - CENTER FOR STRATEGIC STUDIES.
- Petti, M. (October 13, 2020), How the Armenia-Azerbaijan conflict is playing out in Washington. **Responsible Statecraft**. <https://responsiblestatecraft.org/2020/10/13/how-the-armenia-azerbaijan-conflict-is-playing-out-in-washington/>
- Reisinezhad, A (2020). Tehran-Baku Tension Director. **interview with Donya-e-Eghtesad**, 5286. extraction date: November 8, 2022. <https://www.donya-e-eghtesad.com/fa/tiny/news-3806236> [In Persian]
- Reisinezhad, A (2021). **Iran and the New Silk Road: From Road Geopolitics to Road Diplomacy**. Tehran University Press [In Persian].
- Reisinezhad, A (October 10, 2022). The strategic importance of corridors in the development and national security of Iran; Raisinejad: The corridors bypass Iran/

- The Turani Corridor is a disaster for the country. **interview with Khabar Online**. extraction date: November 8, 2022. khabaronline.ir/xjhWJ [In Persian].
- Reisinezhad, A. (2018). **The Shah of Iran, the Iraqi Kurds, and the Lebanese Shia**. Middle East Today.
- Reisinezhad, A., & Sadeqi, J. (2022). The Battle of Chaldiran: A Geopolitical Narrative. *Geopolitics Quarterly*, Volume 18, Issue 67, 165-198. [In Persian]
- Şeker, Ş. (2021). Iran and the South Caucasus: A Pragmatist Foreign Policy. *Bkkkkklyy Eaaaa vvvvrstty oaaaa oaaaaal*, Vol. 6. Issue. 1, pp. 1-14. DOI: 10.33905/bseusbed.859749 [In Turkish]
- Semsar, M (November 17, 2020). Caucasus issues expert: Allocation of traffic corridors in Karabakh does not mean land transfer. **interview with IRNA News Agency**. extraction date: November 8, 2022. <https://irna.ir/xjBWt8> [In Persian]
- Stockholm International Peace Research Institute (2021). Importer/exporter trend indicator values tables. <https://armstrade.sipri.org/armstrade/page/values.php>
- Sun Tzu (2021). **The Art of War: The World's Oldest Military Treatise**. Translator: Ahmadrza Rasouli. 5th edition. Tehran. Hormazd publication. [In Persian]
- Taleban, M. R. (2008). A Reflection on the Technique of Process Tracing in the Studies of Islamic Revolution. *Pajouheshnameh Matin*, Volume 10, Issue 40. Pages 91-117. [In Persian]
- Valigolizadeh, A. (2015). **A model for recognizing geopolitical crises (With emphasis on the Karabakh crisis)**. Tehrn, Research Institute of Strategic Studies (RISS). [In Persian]
- Wezeman, Pieter D. & Kuimova, A. & Smith, J. (2021). Arms transfer to conflict zones: The case of Nagorno-Karabakh. **Stockholm International Peace Research Institute**. <https://sipri.org/commentary/topical-backgroundunder/2021/arms-transfers-conflict-zones-case-nagorno-karabakh>
- Yetgin, M.A. & Çakmak, S. (2021). The Position of the Islamic Republic of Iran on the Second Karabakh War in the Context of Regional Policies. *Asya Studies-Academic Social Studies*, Volume 5, Issue 18, pages 279-288. [In Turkish]